

به نام خدا



سازمان بورس و اوراق بهادار
SECURITIES & EXCHANGE ORGANIZATION

مدیریت پژوهش، توسعه و مطالعات اسلامی

آموزه‌های تجربی جذب کوزه‌های سرمایه‌گذاری خارجی در کشورهای جهان

تهیه‌کنندگان: مدیریت پژوهش، توسعه و مطالعات اسلامی

سرمایه‌گذاری خارجی به سبب نقش مؤثری که در فرآیند رشد اقتصادی، و نیز در انتقال دانش فنی، مهارت‌های مدیریتی، و رفع تنگنایهای ارزی ایفا می‌کند و نیز به دلایل مختلفی مانند پایین بودن نرخ سود و فرصت‌های سرمایه‌گذاری یا وجود منابع مازاد بر نیازهای سرمایه‌گذاری در کشور مبدأ، همواره و از هر دو سوی کشورهای میزبان و نیز خود سرمایه‌گذاران موضوعی مهم و قابل توجه به شمار می‌آمده است. هر چند، نظریه واحد پذیرفته شده‌ای درباره دلایل سرمایه‌گذاری خارجی وجود ندارد؛ فراییش آمدن فرصت‌های جدید برای سرمایه‌گذاران منافع قابل توجه آن برای کشورهای میزبان سبب شده است تا در دهه‌های اخیر کوشش چشمگیر برای یافتن معیارهایی برای افزایش میزان جذب سرمایه‌گذاری خارجی، و کنترل درجه تأثیر آن بر فرآیند رشد و توسعه اقتصادی از طریق اتخاذ رویکردهای سیاستی ویژه‌ای در زمینه شرایط ورود سرمایه، تنظیم و نظارت بر فعالیت سرمایه‌گذاران، و نیز درباره بازگرداندن اصل و فرع سرمایه‌های خارجی انجام شود. گزارش پیش رو در همین راستاست و در آن کوشش شده است تا با بررسی اقدامات جهانی و نیز رویکردهای ویژه برخی کشورهای نمونه، آموزه‌های تجربی مربوط به فعالیتهای مربوط در دهه‌های اخیر شناسایی شود. یافته‌های این گزارش به یقین در فراهم کردن زمینه‌های لازم برای تدوین سیاستهای راهبردی جذب سرمایه‌گذاری خارجی در ایران اهمیتی کاربردی خواهد داشت.

آموزه‌های تجربی

جذب گونه‌های سرمایه‌گذاری خارجی در کشورهای جهان

فهرست مطالب

۱- مقدمه	۱
۲- آسیا و اقیانوسیه	۲
۱-۲ روند کلی	۲
۲-۲ تایلند	۴
۳-۲ ترکمنستان	۸
۴-۲ ترکیه	۹
۵-۲ چین	۱۱
۶-۲ ژاپن	۱۲
۷-۲ سرلانکا	۱۵
۸-۲ کره جنوبی	۱۶
۹-۲ کره شمالی	۱۷
۱۰-۲ مالزی	۱۸
۱۱-۲ نپال	۱۹
۱۲-۲ ویتنام	۲۰
۳- آمریکای لاتین	۲۱
۱-۳ روند کلی	۲۱
۲-۳ آرژانتین	۲۲
۳-۳ برزیل	۲۳
۴-۳ مکزیک	۲۶

۲۸	۵-۳ ونزوئلا
۲۹	۴- آفریقا
۲۹	۱-۴ روند کلی
۳۰	۲-۴ غنا
۳۱	۳-۴ مصر
۳۲	۴-۴ نامیبیا
۳۴	۵-۴ نیجریه
۳۴	۵- سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در اروپای شرقی و مرکزی
۳۴	۱-۵ روند کلی
۳۵	۲-۵ رومانی
۳۷	۶- رویکرد کلان به سرمایه‌گذاری خارجی
۳۷	۱-۱ بنیان نظری
۳۸	۲-۱ دلایل سرمایه‌گذاری خارجی
۳۹	۳-۱ گونه‌های سرمایه‌گذاری خارجی
۴۰	۴-۱ نظام اجرایی
۴۴	۵-۱ عوامل مؤثر بر سرمایه‌گذاری خارجی
۴۵	۱-۱ پیامدهای سرمایه‌گذاری خارجی در کشور میزبان
۴۶	۷-۱ مروری بر نکات مثبت و منفی در زمینه سرمایه‌گذاری خارجی
۴۸	۸- پیوستها
۶۲	۹- فهرست منابع

در بین عوامل مؤثر بر رشد اقتصادی، توجه به نقش و اهمیت تشکیل سرمایه به عنوان موتور رشد و توسعه اقتصادی، نکته‌ای بوده که از دیرباز در بین اقتصاددانان موضوعی پررونق به شمار می‌آمده است. در این میان، یافتن معیارهایی که به کمک آن بتوان سرمایه‌گذاری و به طریق اولی سرمایه‌گذاری خارجی را به گونه‌ای پایدار افزایش داد و تأثیر آن در فرآیند توسعه اقتصادی کشورهای میزبان دو چندان کرد، در طی دهه‌های اخیر بیش از پیش اهمیت یافته است. به ویژه در بین کشورهای صادرکننده سرمایه توسل به اقداماتی مانند در نظر گرفتن انگیزه‌های مالیاتی، تضمینهای مختلف سرمایه‌گذاری، و کمکهای مالی به سرمایه‌گذاران خصوصی رواجی فراگیر داشته است. نهادهای بین‌المللی نیز به نوبه خود در تشویق و شتاب بخشیدن به جریانهای بین‌المللی سرمایه‌های خصوصی سهمی بسزا داشته‌اند. با وجود این، به نظر می‌رسد که توجه به سیاستهای اتخاذ شده توسط کشورهای سرمایه‌پذیر به ویژه در زمینه جذب و کنترل سرمایه‌های سرگردان بین‌المللی از اهمیتی به مراتب بیشتر برخوردار باشد. بررسی تمهیدات اتخاذ شده توسط کشورهای میزبان در این باره نشان می‌دهد که اقداماتی مانند تعیین شرایط ورود سرمایه‌های خارجی، تنظیم مقررات و نظارت بر عملیات سرمایه‌های خارجی، و محدودیتهای وضع شده بر بازگشت اصل و فرع آن از تأثیری بسیار بیش از سیاستهای اتخاذ شده توسط کشورهای صادرکننده سرمایه برخوردار بوده است. در گزارش پیش‌رو، اقدامات جهانی انجام شده در برخی کشورهای نمونه و نیز آموزه‌های تجربی به دست آمده از فعالیتهای مربوط در طی دهه‌های اخیر بررسی شده است. یافته‌های این گزارش به یقین در پربارکردن تدوین سیاستهای راهبردی جذب سرمایه‌گذاری خارجی در ایران اهمیتی کاربردی خواهد داشت.

۱-۲ روند کلی

به رغم تأثیر بحران مالی نیمه دوم سال ۱۹۹۷ بر تعدادی از کشورهای شرق و جنوب شرقی آسیا، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در این منطقه در سال ۱۹۹۷ حدود ۸ درصد افزایش یافت و به رقم ۸۷ میلیارد دلار رسید. این افزایش عمدتاً ناشی از جریانهای فزاینده سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی به کشور چین بوده است. به هر حال، نرخ رشد سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در این سال نسبت به سال قبل که ۱۷ درصد بوده است به مراتب پایین‌تر است. منطقه آسیا و اقیانوسیه در سال ۱۹۹۷ پذیرای ۵۷ درصد جریانهای سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی به کشورهای در حال توسعه و بیش از نیمی از جریانهای سرمایه به صورت سهام بوده است. در این سال، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی به صورت سهام با ۱۷ درصد افزایش نسبت به سال ۱۹۹۶ به رقم ۵۹۶ میلیارد دلار رسید.

بین سالهای ۱۹۹۴-۱۹۹۶ نسبت جریان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی به تشکیل سرمایه ثابت ناخالص همچنین نسبت سرمایه به صورت سهام به تولید ناخالص داخلی در آسیا در مقایسه با متوسط نسبت‌های فوق برای همه کشورهای در حال توسعه رقم پایین‌تری بوده است. این مسئله را شاید بتوان ناشی از حجم بالای فعالیتهای اقتصادی در داخل برخی کشورهای میزبان در آسیا و یا نسبت بالای سرمایه‌گذاری داخلی به درآمد این کشورها دانست. البته باید توجه داشت که نسبت‌های فوق بین کشورهای آسیایی متفاوت است.

جریان خروجی سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی از منطقه در سال ۱۹۹۷ با ۹ درصد افزایش به ۵۰/۷ میلیارد دلار رسید. در این سال بزرگترین سرمایه‌گذاران هنگ‌کنگ و چین بوده‌اند که ۱۳۷/۵ میلیارد دلار به صورت سهام در کشورهای دیگر سرمایه‌گذاری نمودند.

به طور کلی الگوی سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در این منطقه تا حدودی از کاهش سرمایه‌گذاری درون منطقه‌ای متأثر شده است. چون بسیاری از شرکتهای فراملی^(۱) منطقه با افزایش بدهیها و سایر مشکلات مواجه شده‌اند. از سوی دیگر شرکتهای فراملی اروپایی مدتها علاقه‌ای به سرمایه‌گذاری در این منطقه نشان نمی‌دادند. خصوصیت دیگر الگوی سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در منطقه، سهم بالای این نوع سرمایه‌گذاری در بخش خدمات است. این مسأله به دلیل آزادسازی اقتصادی^(۲) و نیز واکنش مستقیم به تلاش برخی کشورهای میزبان به منظور ایجاد قطب سرمایه‌گذاری منطقه‌ای است. همچنین ادغام شرکتهای برای منطقه آسیا و خصوصاً ۵ کشور آسیایی اندونزی، مالزی، فیلیپین، تایلند و کره جنوبی که تحت تأثیر بحران مالی نیمه دوم سال ۱۹۹۷ قرار گرفتند مهمترین مسئله در مورد سرمایه‌گذاری خارجی این است که چگونه در کوتاه‌مدت و میان‌مدت بحران و عواقب اقتصادی آن جریان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی به منطقه را متأثر می‌سازد؟

سرمایه‌گذاری خارجی نقش مهمی در منطقه ایفا می‌کند و می‌تواند به روند بهبود توسعه اقتصادی کشورها کمک نماید. جریان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی به منطقه آسیا، گرچه به علت مواجهه‌شدن با بحران مالی تحت تأثیر قرار

1- Transnational Corporations (TNCs)

2- Liberalization

گرفت اما همچنان مثبت باقی ماند و حتی ذخایر سرمایه کشورهای متأثر از بحران مالی همچنان افزایش یافت در حالیکه سایر جریان سرمایه مانند وامهای بانکی و سرمایه گذاری بر سبد سهام کاهش داشته و در سال ۱۹۹۷ منفی شد. این مسأله هم شاید به این دلیل باشد که سرمایه گذاریهای مستقیم خارجی به منظور ایجاد منافع بلندمدت در تولید کشور میزبان صورت می گیرد.

می توان از کاهش در هزینه های حصول داراییهایی که قیمت آنها پایین آمده است و دسترسی به شرکتهایی که خواهان بدست آوردن سرمایه هستند و آزادسازی سیاستهای مربوط به ادغام شرکتها، که ورود سرمایه گذاران خارجی را آسانتر از قبل می سازد، به عنوان عواملی نام برد که به هنگام بحران باعث افزایش جریان سرمایه گذاری مستقیم خارجی می شوند.

عوامل فوق، شرایط ورود و بسط فعالیت شرکتهای فراملی را فراهم می سازد، در صورتی که بتوانند بررسی بلندمدت جنبه های مختلف بازار را در بلندمدت بررسی کنند و یا به منظور صادرات و نه برای عرضه در بازارهای داخلی یا منطقه ای تولید کنند. تجربه نشان داده است که شرکتهایی از ایالات متحده، اروپای غربی و نیز اقتصادهایی که کمتر از بحران متأثر شده اند، فرصت سرمایه گذاری در کشورهای متأثر از بحران را یافته اند و بویژه در تایلند و کره جنوبی سرمایه گذاری نموده اند.

کاهش هزینه های رقابت بین المللی به دلیل کاهش ارزش پول و آزادسازی نظامهای مرتبط با سرمایه گذاری مستقیم خارجی، ایجاد مناطق آزاد و تسهیل در قوانین مربوط به سرمایه گذاری که منجر به جذب سرمایه گذاری خارجی می شود نیز به هنگام بحران باعث افزایش جریان سرمایه گذاری مستقیم خارجی می شود. در کنار عوامل فوق، شرکتهایی که بر بازارهای منطقه ای و داخلی متمرکز شده اند از کاهش تقاضا و انتظار رشد آرام آن متأثر می شوند و این امر باعث می شود که شرکتهای مزبور سرمایه گذاری خارجی را لغو یا به تأخیر بیندازند. البته تأثیر این عامل در صنایع مختلف متفاوت است، به عنوان مثال شرکتهایی که در بخش خدمات سرمایه گذاری می کنند به دلیل ماهیت مبادله پذیر نبودن خدمات از شرایط تقاضای داخلی متأثر می شوند.

به طور کلی، پیش بینی اثر عوامل مختلف به هنگام بحران بر جریان ورودی سرمایه گذاری خارجی و در کشورهای متأثر از بحران و یا در کل منطقه در کوتاه مدت و میان مدت دشوار است. به هر حال، تأثیر عوامل مختلف بر جریان واقعی سرمایه گذاری به ارزیابی شرکتهای فراملی از جنبه های بلندمدت این عوامل بر قدرت رقابت آنها بستگی دارد.

با در نظر گرفتن مطالب فوق و در ادامه گزارش ضمن توجه به جداول پیوست که نشان دهنده اطلاعاتی در مورد سرمایه گذاری مستقیم خارجی در منطقه است، تجربه برخی از کشورهای آسیایی با تأکید بر قوانین و مقررات این کشورها در زمینه سرمایه گذاری مستقیم خارجی بررسی می شود.

۱-۲-۲ نکاتی چند در مورد اقتصاد کشور تایلند و سرمایه‌گذاری خارجی در این کشور

در سالهای آخر دهه ۱۹۸۰، رشد اقتصادی در تایلند افزایش و نرخ تورم کاهش یافت. در سال ۱۹۸۹ نرخ رشد واقعی اقتصاد ۱۲ درصد و نرخ تورم ۵/۴ درصد بود. بهبود رشد اقتصادی در این کشور مدیون انجام برنامه‌های تعدیل اقتصادی، اعمال سیاست‌های ارزی به منظور ایجاد زمینه مناسب برای ثبات پول و ثبات قیمت‌ها، ایجاد شرایط اقتصاد جهانی مناسب به صورت کاهش قیمت نفت و رشد تقاضای جهانی برای محصولات کشاورزی تایلند بود. گرچه بخش کشاورزی در اقتصاد تایلند جایگاه خاصی داشته است، از سال ۱۹۸۸ بخش صنعت به دلیل افزایش تقاضای داخل و بازار جهانی رشد داشت. جریان توسعه صنعت در این کشور بطور عمده از اقدامات بخش خصوصی ناشی می‌شود و دولت تنها در چارچوب برنامه‌های پنج ساله، سیاست‌های توسعه صنعتی کشور را تدوین کرده است. در راستای برنامه‌های پنج ساله دهه‌های ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ سیاست دولت تایلند برای توسعه صنعت تغییر یافت و حمایت از صنایع جانشین جای خود را به حمایت از توسعه صنایع صادراتی و جذب سرمایه‌های خارجی داد. تا قبل از سال ۱۹۸۶ ضعف تجهیزات و تسهیلات حمل و نقل در تایلند، نداشتن مزیت صنایع تولیدی در مقایسه با کره جنوبی و سنگاپور، نامعلوم بودن آینده سیاسی و افزایش هزینه نیروی کار عوامل کاهش سرمایه‌گذاری خارجی در تایلند بود. این کشور به دنبال اتخاذ سیاست حمایت از توسعه صنایع صادراتی، سعی در رفع موانع موجود بر سر راه سرمایه‌گذاران خارجی نمود و نتیجه این کار ایجاد شرایط روشن و مناسب در امر سرمایه‌گذاری خارجی این کشور بوده است. وجود ثبات سیاسی، بالا بودن کیفیت نیروی کار در این کشور، پایین بودن سطح دستمزدها، منابع ملی فراوان، وجود وسایل و امکانات زیربنایی، موقعیت استراتژیکی، پایداری به پیمانهای اقتصادی و بازرگانی و وجود بازار بزرگ مصرف در حال رشد برای محصولات صنعتی از عوامل موفقیت سیاست فوق بوده است.

دولت تایلند یکی از عوارض پولی ناشی از ورود سیل آسای سرمایه خارجی را تورم می‌داند و بر این اساس، هدف دولت اعمال اقداماتی به منظور عقیم‌سازی اثرات پولی ورود سرمایه خارجی و کاهش میزان سرمایه به منظور مبارزه با تورم است. انجام اقداماتی در مورد محدود کردن عملیات سوداگرانه در اقتصاد از جمله سایر سیاستهای مقابله با تورم است. در میان مدت نقش دولت ایجاد اطمینان از همگام بودن ظرفیت منابع با نیازهای رشد اقتصاد است و در بلندمدت مقامات تایلندی توسعه منابع انسانی و اصلاح سیستم مالیاتی را در دستور کار خود دارند. از نظر سازمانی، هیأت سرمایه‌گذاری تایلند در سال ۱۹۷۷ با هدف گسترش و ایجاد تسهیلات در روند صنعتی شدن این کشور و توسعه زمینه‌های اقتصادی علاوه بر جنبه‌های کشاورزی - تجاری تأسیس و مسئولیت انجام هماهنگی امور مربوط به سرمایه‌گذاریهای مستقیم خارجی را بر عهده گرفت. وظیفه این هیأت، ایجاد انگیزه‌های سرمایه‌گذاری بین سرمایه‌داران داخلی و خارجی و انجام پروژه‌های داخلی و ایجاد بازارهای صادراتی است. به طوری که این پروژه‌ها در خدمت منافع ملی از جمله تقویت قدرت صنعتی تایلند و کسب درآمد ارزی و استفاده از منابع داخلی و توسعه تجاری این کشور باشد.

۲-۲-۲ سرمایه‌گذاران خارجی و نوع فعالیت آنها در تایلند

در سال ۱۹۸۰، کشف و استخراج گاز طبیعی زمینه مساعدی برای جذب سرمایه و دانش فنی فراهم کرد. بیشتر سرمایه‌گذاریهای خارجی انجام شده در این کشور در زمینه نساجی، شیمیایی، نفت، پتروشیمی، الکتریکی، الکترونیکی، وسایل حمل و نقل و اتومبیل‌سازی است و توسط ژاپن صورت گرفته است. در ضمن نقش سرمایه‌گذاران خارجی در نحوه اداره امور کارخانه از نظر اتکا به فنون و دانش فنی کارخانه‌ها به آنها بیش از سرمایه‌گذاران داخلی است. بعد از ژاپن، آمریکا در زمینه تولید انرژی، بانکداری و مالی و تجاری و خدمات در تایلند سرمایه‌گذاری کرده است. تایوان، هنگ کنگ و سنگاپور در رده‌های بعدی قرار دارند و سرمایه‌گذاریهای آنها در صنایع سبک مانند بسته‌بندی، مواد غذایی، کنسرو، تولید کاغذ، شیمیایی، فلزات و ساخت اسباب‌بازی است. در مجموع سیاست کلی کشور، سرمایه‌گذاری در صنایع اتومبیل‌سازی، الکتریک و الکترونیک است. دولت تایلند برای جلب اعتماد سرمایه‌گذاران خارجی، با آنها وارد سرمایه‌گذاری مشترک شده و پس از رسیدن صنایع از نظر اقتصادی به مرحله سوددهی، به بخش خصوصی واگذار می‌شوند.

۳-۲-۲ معیارهای سرمایه‌گذاری در تایلند

طبق قانون افزایش سرمایه‌گذاری سال ۱۹۷۷، پروژه‌های تولید کالا و خدماتی که در کشور در دسترس نیست و یا به مقدار کافی تولید نمی‌شود و یا با روشهای کم هزینه تولید نمی‌شود همچنین طرحهایی که از نظر اقتصادی و دانش فنی مفید بوده و در جهت حفظ محیط زیست صورت گیرد، به تصویب می‌رسد.

معیارهای اقتصادی برای دانش فنی پروژه‌ها به قرار زیر است:

- تقاضای بازار برای محصولات و خدمات، منطبق با توسعه ظرفیت‌های پیشنهادی باشد.
- هزینه تولید به منظور انجام رقابت موفقیت‌آمیز با واردات، با حداکثر عوارض وارداتی ۳۰ درصد یا نرخ موجود، باید حداقل باشد.
- ارزش افزوده کمتر از ۲۰ درصد عواید فروش نباشد مگر اینکه تولید عمدتاً برای صادرات باشد.
- نسبت بدهی به سرمایه ثبت شده برای شرکت جدید یا نسبت بدهی سهام به سرمایه ثبت شده برای شرکت موجود، متجاوز از ۵ به ۱ نباشد.
- ماشین‌آلات مدرن با روشهای تولید مدرن به کار برده شوند.
- سرمایه‌گذاری در تایلند مستلزم گسترش صادرات است که منجر به توازن پرداختها، حمایت از توسعه منابع داخلی، افزایش اشتغال و اشتغال‌زایی، تمرکززدایی، صرفه‌جویی در انرژی و استفاده از انرژی وارداتی و ایجاد صنایع عمده و اساسی با تایید دولت می‌شود. معیارهای مربوط به ایجاد شرکتهای مشترک شامل موارد زیر است:
- سهم شهروندان تایلندی از کل سرمایه ثبت شده در پروژه‌های سرمایه‌گذاری صنعتی بیش از ۵۱ درصد باشد.
- سهم شهروندان تایلندی از کل سرمایه ثبت شده در پروژه‌های کشاورزی، دامپروری، شیلات، استخراج معادن و خدمات بیش از ۶۰ درصد باشد.

- برای پروژه‌هایی که حداقل ۵۰ درصد تولیداتشان صادر می‌شود خارجیان می‌توانند بیشترین سهم و برای پروژه‌هایی که ۱۰۰ درصد تولید آنها صادر می‌شود، سرمایه‌گذار خارجی می‌تواند ۱۰۰ درصد سهم را دارا باشد.

۴-۲-۲ سیاست‌های دولت تایلند در مورد سرمایه‌گذاری خارجی

- دولت تایلند با توجه به موارد زیر به جذب سرمایه‌های خارجی اقدام می‌کند:
- الف - اطمینان بخشیدن به سرمایه‌گذار خارجی از همکاری شرکت‌های مختلف دولتی.
- ب - کسب اطمینان از حفظ منافع دولت و مردم تایلند.
- ج - حفظ منافع طبیعی و جلوگیری از آلودگی محیط زیست.
- د - وجود ۲۰ قانون برای سرمایه‌گذاری در تایلند مانند قانون کنترل ارز، قانون تجارت خارجیان، قانون استخدام خارجیان، قانون برنامه‌ریزی شهری، قانون تجویز قیمت‌ها و مواد ضد انحصاری سال ۱۹۷۹، قانون گسترش سرمایه‌گذاری، قانون حق امتیاز، قانون شرکت‌های اعتباری و سهام مالی، قانون استاندارد و تولیدات صنعتی و... در میان قوانین مربوط به سرمایه‌گذاری خارجی قانون کنترل ارز و قانون تجارت خارجی اهمیت ویژه‌ای دارند.
- قانون کنترل ارز** در سال ۱۹۴۲ در تایلند به اجرا درآمد. اگر معاملات مستلزم تعهدات ارزی به شکل پرداخت‌های ارزی یا انتقال سرمایه باشند باید گزارش‌هایی توسط بانک تایلند تهیه شود. در سال ۱۹۸۱ سیستم نرخ‌های ارز در تایلند اصلاح و یکنواخت شد. بدین ترتیب نرخ‌های خرید و فروش بازار بین بانکی برای دلار آمریکا تضمین شد.
- قانون تجارت خارجی** در سال ۱۹۷۳ به اجرا درآمد باعث محدود شدن مشارکت خارجیان در فعالیتهای تجاری تایلند گردید. لغت "خارجی"، اشخاص حقیقی و حقوقی را که دارای تابعیت تایلندی نیستند شامل می‌شود و در برگیرنده موارد زیر است:

- اشخاص حقوقی که نصف یا بیشتر از نصف سرمایه آنها در تملک خارجیان است.
- اشخاص حقوقی که نصف و یا بیشتر از نصف تعداد سهامداران، شرکاء و اعضای آنها را خارجیان - بدون توجه به میزان سرمایه سرمایه‌گذاری شده توسط خارجیان - تشکیل می‌دهند.
- مشارکت محدود یا مشارکت عادی ثبت شده که مدیر آن یک خارجی است.

۵-۲-۲ سیستم تشویق و جذب سرمایه‌گذاری خارجی

کشور تایلند به منظور جذب سرمایه‌گذاران خارجی از طریق کاهش مالیات‌ها بر منابع، حق امتیازها، سود سهام و ارائه ضمانت در مقابل خلع ید از پیمانکاری طبق مقررات ملی کشور، معافیت گمرکی تخصیص یافته به شرکت‌های صادراتی و کاهش میزان حقوق گمرکی و مالیات‌های تجاری در ارتباط با ماشین‌آلات وارداتی و همچنین کاهش در میزان حقوق گمرکی وارداتی و مالیات‌های تجاری در مورد واردکنندگان مواد خام به میزان ۹۰٪ اقدام کرده است. در این کشور برای پروژه‌های دارای اولویت تسهیلاتی در زمینه عوارض و مالیات در نظر گرفته شده است که عبارت است از:

الف - پروژه‌های واقع در بانکوک و ساموت پراکان، به استثنای پروژه‌هایی که در مناطق صنعتی قرار گرفته‌اند مشمول موارد زیر می‌شوند:

۱- به استثناء پروژه‌هایی که کمتر از ۸۰ درصد تولیدات خود را صادر می‌کنند، هیچ گونه معافیت مالیاتی در مورد ماشین‌آلات وجود ندارد.

۲- معافیت مالیات بر درآمد وجود ندارد، مگر برای پروژه‌هایی که دو مورد از معیارهای زیر را داشته باشند که در آن مورد، معافیت برای سه سال ارائه می‌شود.

- صادرات کمتر از ۸۰ درصد تولیدات نباشد.

- حداقل یک میلیون دلار در یک سال درآمد ارزی داشته باشد.

- حداقل ۲۰۰ نفر پرسنل شاغل به طور تمام وقت داشته باشد.

ب - پروژه‌های واقع در مناطق صنعتی در بانکوک و ساموت پراکان مشمول موارد زیر می‌شوند:

۱- ۵۰ درصد کاهش مالیاتی در مورد ماشین‌آلات به استثناء پروژه‌های زیر که معافیت مالیاتی مربوط به ماشین‌آلات به آنها اعطاء خواهد شد.

- صادرات کمتر از ۵۰ درصد تولید نباشد.

- کارخانه‌هایشان را در مناطق صنعتی تأسیس کنند.

۲- معافیت از مالیات بر درآمد شرکتها برای مدت سه سال که تا مدت پنج سال برای پروژه‌هایی که حداقل یکی از معیارهای زیر را داشته باشد، قابل تمدید است:

- درآمدهای حاصل از ارز حداقل سالانه یک میلیون دلار باشد.

- فعالیتهای اساسی کشاورزی با استفاده از تولیدات داخلی کشاورزی و یا استفاده از مواد عرضه شده

داخل به میزان حداقل ۶۰ درصد کل ارزش مواد خام

- استخدام حداقل ۲۰۰ نفر پرسنل تمام وقت

- تأسیس کارخانه در اماکن صنعتی

معافیت یا کاهش مالیات و عوارض برای پروژه‌هایی با گرایش صادراتی به صورت زیر:

الف - معافیت برای یک سال به منظور گسترش پروژه‌هایی که ۳۰ درصد از تولید خود را صادر می‌کنند،

مشروط بر اینکه طی ۶ ماه از تاریخ اولین صادرات، درخواست خود را مبنی بر ارائه ضمانت‌نامه به

جای پرداخت عوارض طبق ماده ۱۹ قانون تعرفه‌های گمرکی، تسلیم اداره گمرک تایلند کنند.

ب - معافیت برای سهمی از واردات که در کل تولید به منظور صادرات استفاده می‌شود.

ج - در موارد خاص، هیأت سرمایه‌گذاری تایلند، معافیت عوارض و مالیات مربوط به مواد خام و سایر

اقلام مورد نیاز به منظور استفاده در تولید اقلام صادراتی را برای مدت بیش از یکسال بررسی

می‌کند.

۲-۲-۱ محدودیتهای اعمال شده از طرف سرمایه گذاران خارجی بر کشور تایلند

- سرمایه گذاران خارجی به منظور ورود به کشور تایلند اعمال محدودیتهایی به صورت زیر را خواستار شده‌اند:
- محدودیت برای خرید مواد اولیه، تولید و چگونگی صدور محصولات تولید شده
 - ممنوعیت استفاده از دانش فنی وارداتی، پس از انقضای قرارداد
 - سرمایه گذار خارجی در برخی قراردادهای، اجازه مشارکت به یک شریک سوم از کشور دیگر را نمی‌دهد و هرگونه مشارکت از سوی کشور ثالث باید با اجازه شرکت مادر و کشور سرمایه گذار صورت گیرد.

۲-۳ ترکمنستان

در این کشور سرمایه گذاری خارجی به هرگونه مالکیت سرمایه گذاران خارجی در فعالیتهای تجاری و سایر اشکال فعالیتها در این کشور اطلاق می‌گردد. سرمایه گذاری خارجی در کشور ترکمنستان به شیوه‌های متعددی صورت می‌گیرد.

۲-۳-۱ روشهای نحوه سرمایه گذاری خارجی

- ۱- سرمایه گذاریها می‌توانند با ارز یا پول ترکمنستان انجام شوند.
- ۲- سرمایه گذاری خارجی در داراییهای منقول و غیرمنقول و حق مالکیت مربوط به آنها امکان پذیر است.
- ۳- سرمایه گذاریها می‌توانند در سهام، اوراق قرضه، سایر اشکال سرمایه گذاری به صورت ترکیب دارایی‌ها صورت پذیرند.
- ۴- حق مربوط به مالکیت معنوی، از جمله چاپ، حق اختراع، علائم تجاری و نمونه صنعتی برای سرمایه گذاران خارجی محفوظ خواهد بود.
- ۵- حق تحقق فعالیتهای اقتصادی نظیر طرح ریزی، بهره‌برداری و استخراج منابع طبیعی برای سرمایه گذاران محفوظ خواهد بود.
- ۶- سرمایه گذاری خارجی در هر نوع سرمایه گذاری که منع قانونی نداشته باشد مجاز است.

۲-۳-۲ مقررات، محدودیتهای و مشوقهای سرمایه گذاری

- ۱- سرمایه گذاریهای خارجی در ترکمنستان بر طبق قوانین ترکمنستان و موافقتهای بین‌المللی است. در صورتی که مقررات و موافقت‌نامه‌ها با قوانین ترکمنستان مغایر باشند، مقررات و موافقت‌نامه‌های بین‌المللی رعایت می‌شود.
- ۲- سرمایه گذاران، در فرآیند سرمایه گذاری باید شرایط بهداشتی، اکولوژیکی و... را رعایت کنند.
- ۳- کیفیت کالاهای تولید شده باید بر حسب استانداردهای پذیرفته شده در ترکمنستان باشد.
- ۴- اشخاص حقوقی با مشارکت خارجی که بیش از ۳۰٪ از سرمایه اولیه سرمایه گذاری خود را تهیه کرده‌اند،

می‌توانند تولیدات خود را صادر کنند. این اشخاص می‌توانند مواد مورد نیاز خود را نیز وارد نمایند. میزان واردات را دولت تعیین می‌کند. درآمد حاصل از صادرات پس از کسر مالیات می‌تواند مجدداً سرمایه‌گذاری شود.

۵- مقررات مربوط به پرداخت مالیات که به صورت زیر است:

- براساس قوانین ترکمنستان سود اشخاص حقوقی با مشارکت خارجی مشمول مالیات می‌شود.
- سرمایه‌گذاری مجدد سود بدست آمده از مالیات معاف است.
- سرمایه‌گذاری اولیه بیش از ۳۰٪ (بر حسب ارزش معتبر) از پرداخت مالیات بر سود معاف است.
- سرمایه اولیه و نیز داراییهای شخصی کارکنان خارجی اشخاص حقوقی، هنگام ورود از معافیت‌های گمرکی برخوردار می‌شود.
- کنترل پرداخت مالیات و فعالیت‌های مالی - تجاری به عهده ارگانهای مالیاتی کشور است.

۲-۴ ترکیه

۱-۴-۲ خلاصه‌ای از تحولات اقتصادی و سرمایه‌گذاری خارجی در ترکیه

این کشور از جمله کشورهای در حال توسعه است که معمولاً برای انجام سیاست‌های اقتصادی خود با محدودیت‌های مالی مواجهند و می‌کوشند با استفاده از سرمایه‌گذاریهای خارجی این مشکل را حل کنند. قانون مصوب سال ۱۹۵۴ درباره ضوابط سرمایه‌گذاریهای خارجی، متضمن تساوی حقوق سرمایه‌گذاران خارجی و شهروندان ترکیه و نیز حق انتقال داراییها و امتیازهای آنها به خارج از کشور در صورت انحلال یا فروش شرکتها و سهام مربوط است. براساس این قانون، سرمایه‌گذاری خارجی در تمامی بخشها و فعالیت‌های اقتصادی جز نفت - که مقررات مربوط به آن در قانون نفت تدوین شده است - مجاز است.

تا سال ۱۹۸۰، محدودیت‌های بوروکراتیک در مورد سرمایه خارجی، سیاست جایگزینی واردات و سایر جنبه‌های نظام اقتصاد بسته که منجر به عدم کارایی و رکود در رقابت می‌شود شرایط جلب سرمایه‌های خارجی را محدود و گرایشها را به سمت بازار داخلی سوق داده بود.

سرمایه‌گذاری خارجی به طور فعال در سال ۱۹۸۰ شروع شد. از این سال و به دنبال اتخاذ سیاست‌های نوین در ترکیه، بر تشویق به ورود سرمایه‌های خارجی، بویژه در بخشهای کشاورزی، معدن، نفت و جهانگردی تاکید شد. طبق قانون نباید برای سرمایه‌گذاری خارجی حق ویژه و یا انحصاری ایجاد شود. سرمایه‌گذاری باید از انواع تکمیلی، توسعه‌ای، مدرنیزه و دولتی باشد. سقف مشارکت ۴۹ درصد و کف ۱۰ درصد است. امکان انتقال سود ویژه ناشی از اصل سرمایه و سود حاصل از فعالیت پس از کسر مالیات وجود دارد. سرمایه به کار رفته می‌تواند به صورت ارز، ماشین‌آلات و مواد، مالکیت صنعتی، سودهای حاصله از خدمات ارزی، کالاهای ضروری و لازم و حق الامتیاز باشد. به طور کلی سه جنبه عمده اصلاحات اقتصادی سال ۱۹۸۰، حداقل کردن مداخله دولت، ایجاد زمینه برای عملکرد

اقتصاد بازار آزاد و ورود اقتصاد ترکیه به نظام اقتصاد جهانی بوده است. نتیجه اقدامات این سال را می‌توان در روند ورود سرمایه خارجی خلاصه کرد. "هیأت‌مدیره سرمایه‌گذاری خارجی" به عنوان تنها هیأت مسئول در زمینه سرمایه‌گذاری خارجی با وظایف کمک و راهنمایی سرمایه‌گذاران خارجی، ارزیابی تقاضاها و پیشنهادات و صدور پروانه و نظارت بر اجرای پروژه‌های سرمایه‌گذاری خارجی تأسیس شد. این هیأت مجاز به صدور پروانه در مورد سرمایه‌گذاریهای ثابت کمتر از ۵۰ میلیون دلار آمریکایی و نیز سهامداران خارجی کمتر از ۵۰ درصد است. هیچ محدودیتی برای سرمایه‌گذاری مؤسسات بین‌المللی نظیر "بانک توسعه اسلامی" و "مؤسسه مالی بین‌المللی" و یا مشارکت خارجیان در پروژه‌هایی که ۲۵ درصد از سهام آنها را کارگران ترک شاغل دیگر کشورها در اختیار دارند، وجود ندارد.

براساس مصوبات هیأت دولت در دسامبر ۱۹۸۳، هیأت‌مدیره سرمایه‌گذاری خارجی می‌تواند برای سرمایه‌گذاری خارجیان در بخش‌ها و زمینه‌های دیگر غیرصنعتی از جمله واردات، صادرات و تأسیس دفتر نمایندگی تجاری پروانه صادر کند.

تلاشهای آزادسازی در دوره ۱۹۸۵-۱۹۸۶ در این کشور منجر به حذف عوامل بازدارنده سرمایه‌گذاری خارجی شده و طی این دوره سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در بخش بانکی بسیار قابل توجه بوده است. در برنامه پنج ساله اقتصادی ترکیه برای سالهای ۹۰-۱۹۹۴ ایجاد و گسترش بنادر و مناطق آزاد تشویق و در نتیجه سرمایه‌گذاریهای خارجی مورد حمایت قرار گرفت. در سال ۱۹۹۰ بانکداران ترکیه اعلام کردند برای جلب وجوه خارجی و جلوگیری از کاهش آن، نرخ بهره سپرده‌های ارزی خود را به طور متوسط برای مارک و دلار به ۱۲ درصد افزایش داده‌اند. نیازهای ارزی برای پرداختهای خارجی و واردات، کاهش درآمدهای صادراتی به ویژه توریسم، افزایش تقاضای داخلی برای سرمایه و بالاخره کاهش اعتبارات بانکهای خارجی از عوامل عمده کمبود ارز در ترکیه بعد از شروع جنگ خلیج فارس ذکر شده است.

۲-۴-۲ سیستم تشویق سرمایه‌گذاری

۱- سازمان برنامه‌ریزی دولتی ترکیه جزئیات عملی سیستم تشویق سرمایه‌گذاری برای سال ۱۹۹۱ را به شرح زیر منتشر نموده است:

براساس "برنامه تشویق سرمایه‌گذاری و فعالیتهایی که درآمد ارزی بیشتری ایجاد می‌کنند دامنه سرمایه‌گذاریها وسیع‌تر است و دولت ترکیه برای منطقه‌های مختلف امتیازهای جداگانه قایل می‌شود. سرمایه‌گذاری در صنعت توریسم و بنادر از اولویت اول برخوردار است و سرمایه‌گذاری در این زمینه‌ها در مناطقی که از اولویت دوم برخوردار هستند تشویق می‌شود. در صورتی که سرمایه‌گذاری در زمینه‌های پیش گفته در منطقه‌هایی که از اولویت برخوردارند انجام گیرد، میزان تشویق به ۴۰ درصد می‌رسد. سرمایه‌گذاری در زمینه آموزش و یا احداث بیمارستان بدون توجه به نوع منطقه از ۵۰ درصد تشویق بهره‌مند خواهد شد. هرگونه سرمایه‌گذاری که در منطقه آزاد تجاری صورت گیرد ۲۰ درصد تشویق خواهد شد. صنعت

توریسم، پروژه‌های کشتی‌سازی، پروژه‌های تولید اتومبیل و پروژه‌های صنایع الکتریکی بدون توجه به منطقه از ۲۵ درصد تشویق بهره‌مند می‌شوند. هرگاه در پروژه‌های سرمایه‌گذاری شده تغییری حاصل نشود، حداقل میزان درآمدها براساس نرخهای سال ۱۹۹۰ تعیین می‌شود. پروژه‌های سرمایه‌گذاری شده با توجه به نوع منطقه‌ای که سرمایه‌گذاری در آنجا صورت می‌گیرد، از تخفیف ویژه برخوردار خواهند شد. این نرخ برای پروژه‌هایی که در مناطق توسعه‌یافته اجرا می‌شود ۳۰ درصد در نظر گرفته شده است.

۲- ورود ماشین‌آلات و تجهیزات مورد نیاز برای پروژه‌های منتخب از پرداخت مالیات و عوارض گمرکی معاف است. براساس این سیاست که در سال ۱۹۹۱ اجرا شد، سرمایه‌گذاران می‌توانند چنانچه پروژه آنها بتواند در سطح بین‌المللی رقابت کند و یا تکنولوژی نوینی را معرفی نماید بدون پرداخت مالیات و عوارض گمرکی ماشین‌آلات و تجهیزات مورد نیاز خود را وارد نمایند.

۳- سرمایه‌گذاری در صنایع کشتی‌سازی و صنایع مشابه آن از معافیت ویژه گمرکی برخوردارند، در حالیکه سرمایه‌گذاری در سایر فعالیتها تحت سیستم تشویقی قرار خواهد گرفت. در سال ۱۹۹۱ سرمایه‌گذاری در زمینه‌های معادن از طرح تشویقی بهره‌مند می‌شود. به شرط آنکه پروژه‌ها در چارچوب تعیین شده قرار داشته باشند و توسط بخش خصوصی از طریق مناقصه انجام شود و سقف این مناقصه در مناطقی که در اولویت قرار دارند کمتر از ۱۰ میلیارد لیره ترک و در سایر مناطق کمتر از ۲۰ میلیارد لیره ترک نباشد.

۲-۵ چین

۲-۵-۱ اقدامات کشور در زمینه سرمایه‌گذاری خارجی

با توجه به تعریف سرمایه‌گذاری خارجی، استفاده از انواع سرمایه نقدی و کالاهای سرمایه‌ای و حداقل ۲۵٪ سقف مشارکت با شرکای خارجی امکان‌پذیر است. کشور چین با اقداماتی از قبیل موارد زیر به جذب سرمایه‌گذاری خارجی پرداخته است:

- استفاده از اصل مساوات و انتفاع دوجانبه در زمینه سرمایه‌گذاری خارجی و مشارکت
- ایجاد معافیت مالیاتی برای شرکتهای مجهز به جدیدترین دانش فنی
- حمایت از سرمایه‌گذاران خارجی و انتقال سود خالص بعد از پرداخت دیون به خارج
- قابلیت انتقال حقوق کارکنان خارجی یا وجوهات دیگر از طریق بانک به ارزی که در قرارداد ذکر شده
- تصویب قوانینی برای حل و فصل اختلافات سرمایه‌گذاران و شرکتهای خارجی

۲-۵-۲ سرمایه‌گذاریهای خارجی در چین

در سال ۱۹۸۹ به دنبال حوادث ژوئن دریافت وامهای خارجی چین قطع گردید، اما در سال ۱۹۹۱، پرداخت وامهای خارجی از طرف ۱۶ کشور به چین آغاز شد. در این بین بانک آسیایی که بزرگترین سهامداران آن ژاپن و

آمریکا هستند با اولویت دادن به پروژه‌های محیط زیست و پیشرفت زنان و محرومیت‌زدایی و مشارکت در طرح‌های محیط زیست، راه آهن و پل جدید رودخانه خوانگ‌پودر بیشترین مقدار وام (۵۰۰ میلیون دلار) را به چین اعطا کرد. کانادا ۳۸۰ میلیون دلار که ۱۴۸ میلیون دلار آن وام بدون بهره با بازپرداخت ۴۰ ساله است به چین اعطا کرد و در رده دوم قرار گرفت.

استرالیا، بلژیک و اتریش نیز وام‌هایی به چین دادند که در این بین بلژیک مقادیری وام بدون بهره و اتریش ۸۶ میلیون دلار وام با نرخ بهره ۴/۵٪ با مدت بازپرداخت ۲۰ ساله برای اجرای پروژه‌های محیط زیست و تولید ژنراتورهای هیدرولیک در اختیار چین قرار داد. کویت ۱۲۰ میلیون دلار با نرخ بهره ۱/۵٪ و مدت بازپرداخت طولانی برای اجرای پروژه‌های فرودگاه، بندر، بزرگراه، کارخانجات داروسازی و چوب به این کشور پرداخت کرد.

۳-۵-۲ سرمایه‌گذاری چین در سایر کشورها

وام و اعتبارات اعطایی چین عمدتاً به کشورهای کوچک و به منظور تحکیم روابط سیاسی و اقتصادی چین با کشورهای جهان سوم و در قالب اعتبارات صادراتی بوده است. کمبود منابع سرمایه‌ای و ضعف قدرت مالی چین در تأمین سرمایه، پروژه‌های صنعتی را دچار مشکل و حضور چین را در پروژه‌های صنعتی کشورهای جهان سوم و مشارکت در بازسازی آنها محدود کرده است.

۲-۶ ژاپن

۱-۱-۲ نکاتی برجسته از تحولات اقتصادی ژاپن تا سال ۱۹۹۱

ژاپن از اواخر قرن نوزدهم تا اواسط قرن بیستم، با استفاده از فرصت دوران جنگ سعی کرد ساختار اقتصاد خویش را از کشاورزی به سوی صنعت هدایت کند. در این کشور، در دهه ۱۹۶۰ تولید انبوه، پیشرفت تکنولوژی، توسعه روزافزون تجارت، استفاده از نیروی عظیم کارگران، اعمال مدیریت صحیح و بهره‌برداری از انرژی ارزان باعث ایجاد رشد اقتصادی قابل ملاحظه‌ای شد. به طوری که متوسط رشد اقتصادی در این دهه ۱۲/۱۲ درصد بوده است. در دهه ۱۹۶۰ ساختار اقتصادی ژاپن از کشاورزی به سمت صنایع سنگین و شیمیایی تغییر جهت داد. وقوع دو بحران نفتی در سالهای ۱۹۷۳ و ۱۹۷۹، قطع رابطه دلار با طلا و برقراری سیستم نرخ ارز شناور از مهمترین حوادث مؤثر بر اقتصاد ژاپن در دهه ۱۹۷۰ بوده است. این دهه در ژاپن "دهه توسعه صادرات" نامگذاری شد. طی سالهای ۸۰-۱۹۸۴ اقتصاد آمریکا، عمده‌ترین شریک تجاری ژاپن، گرفتار رکود شد و این مسأله بر اقتصاد ژاپن تأثیر گذاشت. در این دوره صنایع سنگین از قبیل فولاد و کشتی‌سازی و نیز بخش خدمات در ژاپن گسترش یافت. به طور کلی در این سالها اقتصاد ژاپن همزمان با بهبود نسبی اقتصاد جهانی؛ ثبات قیمتها، توسعه صنعت، ادامه رشد صادرات و افزایش پایدار در سرمایه‌گذاری، افزایش عرضه پول، ذخیره منابع انرژی به دنبال دو بحران نفتی و در نتیجه کاهش اتکا به مواد اولیه، افزایش تولیداتی با ارزش افزوده بالا و افزایش قدرت رقابت تولیدات داخلی با بازارهای بین‌المللی را تجربه

کرد. در سال ۱۹۸۵، تقلیل نرخ برابری ین ژاپن در برابر دلار آمریکا از ۲۶۲ ین به نصف این مبلغ، تغییری در اقتصاد این کشور به وجود آورد. در سالهای ۸۷-۱۹۹۰ رشد تقاضای داخلی، افزایش سود شرکتهای بازرگانی و افزایش درآمد خانوارها منجر به توسعه اقتصاد ژاپن گردید. در این دوره واردات ژاپن به دلیل نیاز تولید به کالاهای واسطه‌ای وارداتی، ورود تولیدات شعب وابسته به شرکتهای ژاپنی به این کشور و تمایل عمده‌فروشان ژاپن به سمت خرید کالاهای ساخته شده خارجی افزایش قابل توجهی داشت.

در سال ۱۹۹۰، اقتصاد ژاپن به رغم بحران خلیج فارس و افزایش قیمت نفت، به دلیل رشد مستحکم میزان سرمایه‌گذاری شرکتهای در کارخانجات و تجهیزات و نیز توسعه بخش مصرف رونق خود را حفظ نمود. از خصوصیات این سال می‌توان به کاهش رشد صادرات، افزایش سرمایه‌گذاری بخش خصوصی به دلیل افزایش تقاضای داخلی، کمبود نیروی انسانی، تورم محدود و کنترل شده و روند نزولی مازاد حساب جاری اشاره کرد. در سال ۱۹۹۱، کاهش میزان سرمایه‌گذاری ثابت شرکتهای و بالارفتن قیمت نفت، سیاست پولی انقباضی بانک مرکزی ژاپن و کاهش قیمت سهام منجر به آهسته شدن رشد اقتصادی ژاپن گردید. مصرف خصوصی در این سال روند خود را حفظ کرد و سرمایه‌گذاری ثابت شرکتهای به منظور پژوهش و توسعه آنها به کار گرفته شد.

۲-۱-۲ نگاهی به بحث سرمایه‌گذاری خارجی در ژاپن

نقل و انتقال سرمایه در ژاپن آزاد است مگر آن که مستلزم پیگیری روشهای اجرایی خاصی باشد. در شرایطی که جریان سرمایه ایجاد تعادل در تراز پرداختها را با مشکل مواجه کند، منجر به نوسانهای مؤثر در نرخ ارز شود و یا به جریان بین‌المللی وجوه برای تأثیر بر پول ژاپن و یا بازار سرمایه منجر شود این جریانها باید مورد تأیید قرار گیرد. سرمایه‌گذاریهایی که در چارچوب مقررات سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی انجام می‌شود شامل موارد زیر است:

(۱) هرگونه کسب سهام در شرکتهای پذیرش نشده خارجی

(۲) کسب سهام شرکتهای پذیرش شده (شامل شرکتهای خصوصی) توسط سرمایه‌گذار

(۳) کسب وام تحت شرایط خاص با موعد بیش از یکسال که به طور خصوصی در ژاپن انجام می‌شود.

سرمایه‌گذاری سرمایه‌گذاران ژاپنی در خارج به شکل وامهایی با مهلت بیش از ۲ سال که به صورت اوراق بهادار با نام بر حسب ین در ژاپن توسط افراد غیرمقیم منتشر می‌شود انجام می‌گیرد و این سرمایه‌گذاریها در خارج مشمول اطلاع قبلی با ۲۰ روز مدت انتظار است. در صورت تأثیر معکوس این جریانهای سرمایه بر موقعیت اعتبار بین‌المللی ژاپن، بازارهای سرمایه داخلی، فعالیتهای تجاری یک بخش از صنایع ژاپن یا کاهش رشد اقتصاد ملی، اجرای موافقت‌نامه‌های بین‌المللی ژاپن، امنیت و صلح بین‌المللی و حفظ نظم عمومی، این جریانها اصلاح می‌شوند. هدف شرکتهای ژاپنی از سرمایه‌گذاری در خارج از کشور کسب منافع اقتصادی بیشتر، استفاده از نیروی کار ارزان و نفوذ از دیوار حفاظتی موجود در کشورها بوده است. ژاپن به عنوان یکی از معتبرترین کشورهای دارای سرمایه دنیا محسوب می‌شود. کشورهای در حال توسعه و سایر کشورهای صنعتی در جهت بهره‌برداری از پولهای ژاپنی‌ها با هم رقابت می‌کنند.

اصولاً سیاست اقتصاد خارجی ژاپن توسط شرکتهای بزرگ چند ملیتی این کشور شکل می‌گیرد. دلایل عمده سرمایه‌گذاری ژاپن در خارج عبارت است از:

- تأمین مواد اولیه‌ای که ژاپن در اختیار ندارد.
- تأمین نیروی کار فراوان و ارزان
- نیاز به استقرار کارخانه در خارج از کشور به منظور خنثی کردن اقداماتی که کشورها برای حمایت از بازارهایشان اعمال می‌کنند.
- یافتن شرکایی برای انعقاد پیمانهای استراتژیک در زمینه تحقیق و توسعه
- یافتن مشتریان بین‌المللی و تأمین مالی مؤسسات ژاپنی از طریق استقرار بانکها و مؤسسات مالی ژاپن در خارج

- به منظور رفع نیازمندیهای ژاپنی‌های ساکن، مقیم یا توریست در خارج از کشور و نیز به منظور جوابگویی به درخواست خارجیانی که مشتاق انواع فرآورده‌های ژاپنی هستند.
- ژاپن در سال ۱۹۸۵ تماس تجاری خود را به طور نسبی با ایالات متحده آمریکا کاهش و روابط اقتصادی خود را با کشورهای جنوب شرقی آسیا گسترش داد. گسترش روابط بازرگانی و صنعتی ژاپن با کشورهای آسیایی منجر به ایجاد یک بلوک قدرتمند منطقه‌ای و به هم پیوسته اقتصادی در قاره آسیا شد. انتقال کالاهای سرمایه‌ای و تکنولوژیکی به کشورهای صنعتی جدید از سوی کشورهای صنعتی یکی از عوامل وابستگی متقابل کشورهای آسیایی است. این امر باعث رونق سرمایه‌گذاری، بالا رفتن بازده کارخانه‌های تولیدی، توسعه صادرات و بهبود موازنه بازرگانی کشورهای آسیایی می‌شود.

کشور ژاپن علاوه بر کمکهای رسمی به کشورهای جهان سوم، موضوع انتقال سرمایه به کشورهای در حال توسعه را نیز مورد توجه قرار داده است. جهت کمکهای عمرانی ژاپن به گونه‌ایست که زمینه را برای سرمایه‌گذاریهای خصوصی در کشور وام‌گیرنده فراهم می‌سازد و کمکهای رسمی تنها بخشی از جریانهای مالی است که از ژاپن به کشورهای در حال توسعه انتقال می‌یابد. در این راستا، شرکت توسعه پروژه‌های همکاری بین‌المللی مسئول بازگرداندن بخشی از مازاد تجاری عظیم ژاپن از طریق فراهم آوردن سرمایه‌های بلاعوض، وام یا هر دو برای اجرای طرحهای مشترک سرمایه‌گذاری میان شرکتهای ژاپنی و مؤسسات بازرگانی و صنعتی کشورهای در حال توسعه است. همچنین وزارت تجارت بین‌المللی و صنایع در زمینه ترغیب بخش خصوصی به گسترش همکاریهای بین‌المللی فعالیت می‌کند.

براساس خطوط اصلی سیاستهای مدون همکاریهای ژاپن، این کشور در پروژه‌هایی سرمایه‌گذاری می‌کند که قابلیت اجرایی بالایی داشته باشد و به ایجاد اصلاحات در اقتصاد و کسب درآمدهای ارزی منجر شود.

با توجه دگرگونی ساختار صنعتی ژاپن، این کشور در جهت تقسیم بین‌المللی کار تلاش می‌کند و به این منظور تولید فرآورده‌هایی را که در کشورهای در حال توسعه دارای مزیت نسبی هستند در آنجا انجام می‌دهد و سپس تولیدات انجام شده را به کشور وارد می‌کند و در عوض نیروهای تولیدی خود را در بخش‌های پرسودتر به کار

می‌اندازد.

ژاپن، با تأخیری چند ساله، و با هدف آزمایش قابلیت اجرای طرحهای صنعتی به اجرای طرح بندر آزاد اوکیناوا در جنوب این کشور مبادرت کرد. شرکتهای عضو این بندر با وارد کردن مواد اولیه و کالاهای نیمه ساخته مبادرت به تولید کالاهای ساخته شده با ارزش افزوده بالاتر می‌کنند. این کالاها می‌تواند به بازارهای داخلی و خارجی وارد شده و این امر امکان رونق اقتصادی را فراهم خواهد کرد. قواعد حاکم بر این بندر مانند پرداخت حقوق گمرکی توسط واردکنندگان و صادرکنندگان، همان قوانین عمومی کشور ژاپن است.

در ژاپن، پیمان نامه‌های مالیاتی با کشورهای خارج توسط کابینه و با تصویب مجلس منعقد می‌شود تا از عدم پرداخت مالیات و یا پرداخت مضاعف آن جلوگیری شود. مالیات شرکتها از تمام شرکتهای داخلی و خارجی که در خاک ژاپن فعالیت دارند، اخذ می‌شود.

۲-۷ سریلانکا

۱-۷-۲ عوامل مؤثر بر جلب سرمایه‌گذاریهای خارجی

اتخاذ سیاستهای اقتصادی جدید، بالا بودن سطح سواد مردم، مساعد بودن آب و هوا، وجود افراد متخصص، رشد منطقی و اصولی اقتصادی و تداوم آن، نزدیکی به بازار مصرف انبوه شبه قاره هند و کشورهای آسیای جنوب غربی از جذابیتهای سرمایه‌گذاری در سریلانکا به شمار می‌رود.

۲-۷-۲ عوامل تهدیدکننده جلب سرمایه‌گذاریهای خارجی

به رغم وجود مزیت‌های برشمرده درگیری و جنگهای داخلی در شرق و شمال کشور، عدم امنیت سیاسی و اجتماعی و ثبات منطقه سرمایه‌گذاری خارجی در این کشور را تهدید می‌کند.

۳-۷-۲ سرمایه‌گذاریهای خارجی در سریلانکا

فعالیت‌های سرمایه‌گذاری از اوایل دهه ۱۹۹۰ شروع شده است. در سال ۹۱، ۷۵٪ سرمایه‌گذاریها مربوط به خارجیه‌ها بوده است. در این سال بیشترین میزان سرمایه‌گذاری خارجی توسط هنگ کنگ و سنگاپور صورت گرفت و بیشتر در زمینه پوشاک بود. در سال ۹۲ این نسبت کاهش یافت و تنها ۶۳٪ سرمایه‌گذاریها مربوط به خارجیه‌ها بوده است. در این سال کره جنوبی، استرالیا و ژاپن نیز به جمع کشورهای سرمایه‌گذار در این کشور پیوستند. در سال ۹۳، با اتخاذ سیاستهای اقتصادی جدید دولت و ایجاد آرامش نسبی در کشور و فراهم شدن زمینه سرمایه‌گذاری خارجی، سرمایه‌گذاران آمریکایی در پوشاک، و صنعت نساجی این کشور سرمایه‌گذاری کردند. البته این کشور برای رفع کمبود ارز، اقدام به اخذ وامهای پروژه‌ای و غیرپروژه‌ای از کشورهای مختلف طی سالهای ۹۰-۸۵ نموده است. مؤسسه بین‌المللی توسعه، آمریکا، ژاپن و بانک توسعه آسیایی از بزرگترین اعطاکندگان وام به سریلانکا بوده‌اند.

الف - معرفی سرمایه‌گذاری خارجی به صورت وام‌های تجاری (۱۹۷۲-۱۹۷۳)

اتکای سرمایه‌های لازم برای توسعه اقتصادی به وام‌های تجاری و برداشت منفی از مدیریت مالکان خارجی منجر به متمرکز شدن بر وام‌های تجاری و وام‌های دولتی به جای سرمایه‌گذاری خارجی گردید. به دنبال افزایش حجم وام‌های تجاری از سال ۱۹۶۵، به سرمایه‌گذاران خارجی اجازه داده شد در محدوده‌ای که در تضاد با صنایع داخلی نباشد، در این کشور اقدام به سرمایه‌گذاری نمایند. همچنین استفاده از سرمایه‌گذاری خارجی به منظور تقویت صنایع صادراتی و نیز صنایع متکی بر سیاست جایگزینی واردات به دنبال آن اتخاذ استراتژی توسعه صادرات در دستور کار قرار گرفت و پس از آن تصویب اعطای حق امتیاز اولیه برای صنایع صادراتی در مورد تولید کلیه محصولاتی که صادراتی و تأسیس مناطق آزاد صادراتی (۱۹۷۰) از اقدامات بعدی انجام شده در این راستا بود.

ب - ایجاد انگیزه برای سرمایه‌گذاری خارجی به منظور توسعه ساختار صنایع (۱۹۷۳-۷۹)

برای سرمایه‌گذاری خارجی در بخش صنایع سنگین شیمیایی به منظور تسهیل در تولید محصولات این بخش و نیز تولید مواد واسطه‌ای برای تشویق سرمایه‌گذارهای عمده شامل: صنایع مونتاژ در مقیاس وسیع، فلزات، ماشین‌آلات و صنایع الکترونیک و صنایع صادراتی تلاش‌هایی صورت گرفت. همچنین سرمایه‌گذاری خارجی به نسبت ۵۰:۵۰ بین سرمایه‌گذاران داخلی و خارجی تعریف شد.

ج - هموار نمودن مسیر برای تحریک سرمایه‌گذاری خارجی (۱۹۸۹-۱۹۸۰)

به دنبال معرفی سرمایه‌گذاری خارجی به صورت دریافت وام، مشکلات ناشی از عدم ثبات بازارهای مالی بین‌المللی شامل بحران نفتی و قصور در بازپرداخت وام‌ها ایجاد شد و این مسئله منجر به توجه بیش از پیش به تشویق سرمایه‌گذاری خارجی گردید چرا که این نوع سرمایه‌گذاری متضمن بازپرداخت نبود. در این راستا کره جنوبی اقدام به بسط سیاست‌های باز سرمایه‌گذاری خارجی نمود که انتقال از سیستم پذیرش بخش مجاز به سیستم پذیرش بخش محدود شده از اول ژولای ۱۹۸۰ و فسخ محدودیت‌های نسبت ثابت سرمایه‌گذاری ۵۰ درصد برای بخش‌های محدود شده و وضع نسبت‌های سرمایه‌گذاری مختلف با توجه به نوع بخش از آن جمله است.

د - ایجاد زمینه برای تقویت قدرت رقابت بین‌المللی صنایع (۱۹۹۷-۱۹۹۰)

مروری کلی بر سیستم‌های سرمایه‌گذاری و ارائه مقیاس‌هایی به منظور آزادسازی در مورد پیوستن به OECD اجرای سیاست‌های توسعه و تشویق سرمایه‌گذاری خارجی به صورت آزادسازی سرمایه‌گذاری به منظور تطبیق با

- تغییرات محیط اقتصادی بین‌المللی، افزایش قدرت رقابتی صنایع داخلی و نیز حمایت از جهانی شدن صنایع داخلی.
- مهمترین سیاستهای اتخاذ شده در زمینه آزادسازی سرمایه‌گذاری خارجی عبارتند از:
- تجدیدنظر و تکمیل برنامه پنج ساله سیاست باز سرمایه‌گذاری خارجی (۹۷-۱۹۹۳)
 - آسان کردن فرآیند سرمایه‌گذاری خارجی و فسخ سیستم تصویب این نوع سرمایه‌گذاریها برای مؤسسات فعال در زمینه سرمایه‌گذاری خارجی (اگوست ۱۹۹۴)
 - اجازه سرمایه‌گذاری خارجی به شکل کسب سهام (فوریه ۱۹۹۷)
 - آزادسازی استفاده از وامهای بلندمدت با سررسید بیش از ۵ سال توسط شرکتهای خارجی مادر

ه - مرحله بسط و حمایت از سرمایه‌گذاری (تاکنون-۱۹۹۸)

به دنبال بی‌ثباتی بازارهای ارزی در نوامبر ۱۹۹۷، تمرکزی خاص بر فعالیتهای مربوط به اصلاحات اقتصادی به منظور تسویه سریع بازارهای ارزی، تجدید ساختار بخشهای مالی، غلبه بر مشکلات ناشی از بیکاری و گسترش سرمایه‌گذاری خارجی برای ایجاد پایه اقتصادی قوی و رشد اقتصادی سریع انجام شد. به این منظور دولت کره جنوبی در ۳۰ مارس ۱۹۹۹ سیاست کاملاً باز سرمایه و سرمایه‌گذاری خارجی را اعلام کرد و ضمن اجرای سیاستهای گسترش سرمایه‌گذاری خارجی کوشش کرد محیطی مناسب برای سرمایه‌گذاران خارجی ایجاد نماید.

۲-۸-۲ چند نکته در مورد سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در کره جنوبی:

سرمایه‌گذاری خارجی به صورت سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی به شکل کسب سهام تازه منتشر شده، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی به شکل کسب سهام در دست مردم، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی به صورت وامهای بلندمدت و سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی به صورت کسب سهام شرکتهای ادغام شده مجاز است.

قوانین دولتی در زمینه سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، در قالب قانون ترویج سرمایه‌گذاری خارجی، اجرای دستورات قانون ترویج سرمایه‌گذاری خارجی، قوانین کاربردی برای اجرای قانون ترویج سرمایه‌گذاری خارجی و آیین‌نامه‌های مربوط به سرمایه‌گذاریهای مستقیم خارجی بیان شده است.

هدف قانون، مشارکت در امر توسعه پایدار اقتصاد ملی از طریق ایجاد محرکهای مؤثر به منظور حمایت و تسهیل سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی می‌باشد. و سیاستهای سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی به منظور حمایت از سرمایه‌گذاری خارجی از دید سرمایه‌گذاران تغییر ساختار داده و محیطی مناسب از نظر وجود انگیزه‌های رقابتی سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی توسط دولتهای محلی ایجاد شده است.

۲-۹ کره شمالی

کشور کره شمالی در اوایل دهه ۱۹۸۰ به دلیل کمبود نیروهای متخصص و ماهر، کاهش کمکهای خارجی، فرسودگی تکنولوژی و ماشین‌آلات دچار رکود اقتصادی گردید. جهت رهایی از این مشکلات در سال ۱۹۸۴ قانون

سرمایه‌گذاری خارجی تصویب شد. البته عدم ثبات و امنیت اقتصادی لازم مانع جلب سرمایه‌گذاری از خارج در این کشور شد و تنها کره‌ای‌های مقیم ژاپن تعدادی پروژه مشترک در این کشور اجرا کردند. پس از فروپاشی نظام سوسیالیستی در بلوک شرق، کره شمالی با مشکلات جدیدی مواجه شد و به علت کمبود مواد اولیه و سوخت بسیاری از کارخانجاتش تعطیل گردید و تولید محصولات کشاورزی‌اش کاهش یافت. به همین دلیل در سال ۱۹۹۲ قوانین سرمایه‌گذاری تجدیدنظر گردید و در آن بر جذب دانش فنی پیشرفته و سرمایه‌کشورهای دیگر تأکید شد. اما مجدداً به علت عدم امنیت سرمایه‌گذاری، سرمایه‌گذاران خارجی به خصوص کشورهای غربی و صنعتی انگیزه‌ای برای فعالیت در این کشور نشان ندادند و تنها چین تمایل خود را برای سرمایه‌گذاری در کره شمالی اعلام کرد.

۱-۹-۲ قوانین و مقررات و محدودیتهای سرمایه‌گذاری خارجی

طبق قانون سرمایه‌گذاری در کره شمالی، سرمایه‌گذار خارجی عبارت است از سازمان یا شخص خارجی که در محدوده خاک جمهوری خلق کره در زمینه‌های صنعت، کشاورزی، ساختمان، حمل و نقل، ارتباطات، دانش فنی، توریسم، تجارت و... سرمایه‌گذاری نماید. هر چند دولت کره، سرمایه‌گذاری در پروژه‌هایی را تشویق می‌کند که منجر به تقویت و پیشرفت دانش فنی مدرن، منابع طبیعی، صنایع زیربنایی و تحقیقات علمی گردد. هدف کره شمالی از سرمایه‌گذاری خارجی، توسعه و گسترش دانش فنی و وسعت بخشیدن به تحقیقات علمی است. برخی از قوانین و مقررات مربوط به سرمایه‌گذاری خارجی در کره شمالی به قرار زیر است:

- دولت کره شمالی می‌تواند در شرایط غیرقابل اجتناب، شرکتهای خارجی و سرمایه‌گذارهای خارجی را ملی یا توقیف کند.

- در صورت بروز اختلاف، مراجع قضایی کره شمالی باید به آن رسیدگی نمایند.
- سود حاصله براساس سهم سرمایه‌گذاری، طبق مقررات تعیین شده توزیع می‌گردد.
- از فعالیت شرکتهایی که به امنیت ملی ضرر می‌رساند، جلوگیری به عمل می‌آید.
- کره‌ایهای مقیم خارج می‌توانند در مناطق آزاد تجاری به طور مستقل شرکت تأسیس نمایند.
- خرید مواد خام از کره و فروش تولیدات شرکتهای خارجی باید از طریق آژانس تجارت خارجی کره صورت گیرد.

۱-۱۰-۲ مالزی

۱-۱۰-۲ روند تحولات اقتصادی و سرمایه‌گذاری خارجی در مالزی

کشور مالزی، طی دهه ۱۹۷۰ و اوایل دهه ۱۹۸۰، با اجرای سیاست "بومی پوترا"^(۱) میزان مالکیت نژاد بومی مالزی (به لحاظ مالی) را در اقتصاد کشور افزایش داد. از اواسط دهه ۱۹۸۰، با کاهش قیمت انرژی و کالا، امید دستیابی به رشد اقتصادی با ادامه سیاست‌های موجود کاهش یافت. به علاوه در این سالها سرمایه‌گذاری مستقیم

1- Bumiputera

خارجی نیز روند کاهنده‌ای را دنبال نمود و لذا دولت مالزی سیاست خود را از نظارت و کنترل سرمایه‌گذاری خارجی و انتقال تکنولوژی به ترویج آن تغییر داد. بهبود و توسعه اقتصادی مالزی پس از سال ۱۹۸۶ عمدتاً ناشی از رشد سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی به دنبال سیاست فوق بوده است. علاوه بر رشد سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، اولویت بخش کشاورزی در مالزی، افزایش تولید و در نتیجه صادرات کالاهای صنعتی، افزایش قیمت مواد خام در بازار جهانی، اتخاذ سیاست درهای باز، حفظ ارزش پول رسمی مالزی و مقابله با درخواست‌های صندوق بین‌المللی پول مبنی بر کاهش ارزش پول این کشور، باعث رشد سریع اقتصادی مالزی در سال ۱۹۸۹ (۱۲/۶ درصد) همراه با میزان تورم ۲/۸ درصدی گردید.

ژاپن یکی از بزرگترین شرکای تجاری مالزیست. این کشور در زمینه‌های صنایع الکترونیک، پلاستیک‌سازی، مواد غذایی، محصولات فلزی، محصولات غیرفلزی و منسوجات در مالزی سرمایه‌گذاری می‌کند. البته در مالزی اغلب در مورد تعهد ناکافی ژاپن نسبت به سرمایه‌گذاری و انتقال تکنولوژی و نیز بازارهای شدیداً حمایت شده آن انتقاد می‌شود. آمریکاییها نیز در مالزی سرمایه‌گذاریهای عظیمی - خصوصاً در زمینه نفت و الکترونیک - انجام داده‌اند. محرکهای مالیاتی، کیفیت نیروی کار، ثبات نسبی سیاسی و پایین بودن دستمزدها از عوامل علاقمندی شرکتهای خارجی به سرمایه‌گذاری در مالزی می‌باشد. در مالزی اکثر سرمایه‌گذاریهای خارجی از مناطق آزاد تجاری صورت می‌گیرد. دولت مالزی در اجرای سیاستهای تجاری خود، با هدف توسعه سرمایه‌گذاری خارجی، برای آن دسته از شرکتهای فراملیتی که مرکز امور عملیاتی خود را در مالزی تأسیس کنند مجموعه‌ای از عوامل تشویقی به لحاظ مالی، خدماتی و تسهیلاتی فراهم نموده است. این عوامل تشویقی شرکتهای فراملیتی که کارگزار شرکتهای وابسته خود در منطقه آسیای جنوب شرقی اند را نیز شامل می‌شود اما شرکتهایی که در زمینه ارائه تسهیلات مالی و خدماتی فعالیت دارند و شرکتهایی را که پس از معرفی عوامل تشویقی مرکز امور عملیاتی خود را به مالزی منتقل کنند دربرنمی‌گیرد.

۲-۱۱ نپال

۲-۱۱-۱ چند نکته در زمینه سرمایه‌گذاری خارجی در نپال

این کشور به تازگی درهای خود را به روی سرمایه‌گذاران خارجی گشوده است. در سال ۱۹۹۲ "قانون سرمایه‌گذاری خارجی و انتقال تکنولوژی" که دربرگیرنده مجموعه قوانین قابل اجرا در زمینه سرمایه‌گذاری خارجی است تدوین گردید. این قانون در سال ۱۹۹۶، به منظور فراهم آوردن محیطی مناسب برای سرمایه‌گذاریهای صنعتی، دستخوش اصلاحاتی گردید.

سیاست صنعتی سال ۱۹۹۲ این کشور، سرمایه‌گذاری خارجی را به عنوان یک استراتژی مهم در راه رسیدن به اهدافی نظیر افزایش تولید صنعتی به منظور رفع نیازهای اساسی، ایجاد فرصتهای شغلی و بهبود تراز پرداختها معرفی می‌کند. در این کشور انتظار می‌رود سرمایه‌گذاری خارجی به عنوان مکمل سرمایه‌گذاریهای خصوصی در

داخل کشور منجر به انتقال تکنولوژی به کشور، بهبود مهارت‌های مدیریتی و افزایش بهره‌وری گردد و نیز دستیابی به بازارهای بین‌المللی را فراهم آورد.

سرمایه‌گذاری خارجی در نیال می‌تواند به صورت سهام، سرمایه‌گذاری مجدد درآمدهای حاصل از سرمایه‌های خارجی، وام و یا ایجاد شرایطی به منظور تسهیل وامدهی باشد. نیال سرمایه‌گذاری خارجی را گاه به صورت مشارکت با سرمایه‌گذاران داخلی به منظور کاهش ریسک و گاه به صورت صددرصد مالکیت سرمایه‌گذاری خارجی تشویق می‌کند. سرمایه‌گذاری خارجی در این کشور می‌تواند در زمینه فعالیت‌های صنعتی شامل صنایع انرژی‌بر، صنعت توریسم، صنایع مبتنی بر منابع معدنی، کشت و صنعت و خدمات باشد.

براساس قانون سرمایه‌گذاری خارجی و انتقال تکنولوژی سال ۱۹۹۲ نیال، انتقال تکنولوژی به صورت هرگونه انتقال مبتنی بر توافق بین صنعت و سرمایه‌گذار خارجی و در زمینه‌های زیر تعریف شده است:

(۱) استفاده از هرگونه حق تکنولوژیکی، تخصصی، فرمول، فرآیند، حق ثبت اختراع و یا دانش تکنیکی که منشأ خارجی داشته باشد.

(۲) استفاده از علائم تجاری که منشأ مالکیت خارجی داشته باشد.

(۳) کسب خدمات بازاریابی، مدیریتی، مشورتی و تکنیکی.

۲-۱۲ ویتنام

با ملاحظه قوانین مربوط به سرمایه‌گذاری خارجی در این کشور ملاحظه می‌شود، این نوع سرمایه‌گذاری می‌تواند توسط یک شرکت یا واحد تولیدی اعم از خصوصی، دولتی، سازمان بین‌المللی یا شخص حقیقی در راستای استراتژی توسعه صادرات صورت گیرد. از نظر سقف مشارکت، سرمایه‌گذاران خارجی می‌توانند تا ۱۰۰٪ سهام را در اختیار گیرند ولی سهم آنان نباید کمتر از ۳۰٪ باشد. نوع سرمایه‌گذاری در پروژه‌ها می‌تواند به صورت همکاری در تولید با تقسیم محصولات، و در زمینه خرید انواع ماشین‌آلات، مالکیت صنعتی، حق الامتیاز، ارز خارجی، مواد خام و استخدام نیروی کار خارجی صورت گیرد و بالاخره سرمایه‌گذاری‌های فوق در رشته‌هایی چون منابع طبیعی، کشاورزی، صنعت، معدن، ساختمان، حمل و نقل و... انجام‌پذیر است.

تسهیلات و معافیت‌های در نظر گرفته شده برای سرمایه‌گذاران خارجی در این کشور را می‌توان در موارد زیر خلاصه کرد:

- معافیت مالیاتی در زمینه مالیات بر درآمد سرمایه‌گذاری‌های مجدد، در نظر گرفته شده است.

- معافیت و تخفیف مالیات بر درآمد به نوع تولید و فعالیت و میزان سرمایه‌گذاری بعد از چند سال از شروع فعالیت بستگی دارد.

- معافیت و تخفیف مالیاتی به ماشین‌آلات، تجهیزات، لوازم، قطعات یدکی، مواد خام و آن دسته از تولیداتی که مجاز به صدور هستند، تعلق می‌گیرد.

- سود خالص سرمایه‌گذاری خارجی بعد از پرداخت مالیات و کسورات، قابل انتقال می‌باشد.

- خریداری شرکت به قیمت مورد توافق طرفین پس از ملی شدن از طریق دولت و پرداخت خسارت به صورت ارز سرمایه‌گذاری شده و در یک محدوده زمانی مشخص، وجود دارد.

- دولت در مورد اعطای حق اشتغال برای دوره ۱۵-۱۰ ساله برای سرمایه‌گذاری‌های که هدفشان تولید برای صادرات باشد، ضمانت لازم را ارائه می‌دهد.

- سرمایه‌گذار خارجی مجاز بودن استخدام پرسنل فنی خارجی، استفاده از ورود آزاد ماشین‌آلات و وسایل و قطعات و مواد خام و نفت برای فعالیتهای اقتصادی است.

- امکان تماس با مؤسسات اقتصادی سایر کشورها برای سرمایه‌گذاران خارجی مهیا است.

- ۳۰٪ از سود حاصل از سرمایه‌گذاری خارجی به رشته‌های تخصصی، ۴۰٪ به رشته‌های اقتصادی دارای دانش فنی پیشرفته و ۳۰٪ به سایر رشته‌ها تعلق می‌گیرد.

۳- آمریکای لاتین

۱-۳ روند کلی

یک بررسی مقایسه‌ای نشان می‌دهد سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در آمریکای لاتین و دریای کارائیب در اوایل دهه ۷۰ و نیز اوایل دهه ۹۰ پایین بوده است. این مسئله نتیجه عملکرد ضعیف اقتصادی این کشورها و خصوصاً بحران بدهیها در این منطقه بوده است. این روند از سال ۱۹۹۱ به بعد معکوس گردید به گونه‌ای که این کشورها شروع به جذب سرمایه‌گذاریهای مستقیم خارجی کردند. حتی بحران پژو در مکزیک طی سالهای ۱۹۹۴-۱۹۹۵ نیز نتوانست مانع از انجام سرمایه‌گذاریهای مستقیم خارجی در این کشور شود. به علاوه طی سالهای ۹۵-۱۹۹۷ جریانهای سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی به این منطقه رشد قابل ملاحظه‌ای داشت.

در سال ۱۹۹۷ کشورهای آمریکای لاتین و دریای کارائیب ۵۶ میلیارد دلار سرمایه مستقیم خارجی جذب کردند که این رقم در مقایسه با سال ۱۹۹۶، ۲۸ درصد افزایش یافت. جریان سرمایه‌گذاریهای مستقیم خارجی به منطقه در سال ۱۹۹۷، ۳۸ درصد کل جریان مزبور به کشورهای در حال توسعه را تشکیل می‌دهد.

در سال ۱۹۹۷، ۳۰ کشور منطقه نسبت به سال ۱۹۹۶ سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بیشتری جذب کرده‌اند. از این میان کشورهای ونزوئلا، مکزیک و برزیل بیشترین درصد افزایش را تجربه کرده‌اند.

به لحاظ نقش اقتصادی سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در کشورهای میزبان، جذب سرمایه‌های مستقیم خارجی ۱۱ درصد تشکیل سرمایه ثابت ناخالص در منطقه را طی سالهای ۹۴-۱۹۹۶ دربرمی‌گیرد. این نسبت در بین کشورهای منطقه بین ۷ تا ۴۰ درصد متغیر است. نسبت سرمایه‌های مستقیم خارجی به کل سرمایه ثابت ناخالص برای کشورهای جنوب، شرق و جنوب شرقی آسیا ۸ درصد و برای کل کشورها ۵ درصد است. سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی به صورت سهام به عنوان درصدی از تولید ناخالص داخلی در سال ۱۹۹۶ در کشورهای آمریکای لاتین و

دریای کارائیب ۱۷ درصد بوده است که در مقایسه با ۱۶ درصد کشورهای جنوب، شرق و جنوب شرقی آسیا و ۱۱ درصد برای کل کشورها رقم بالاتری می‌باشد.

در مجموع بررسی وضعیت سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در کشورهای آمریکای لاتین حاکی از واکنش سرمایه‌گذاران خارجی به سیاستهای جدید محیطی در این منطقه خصوصاً سیستم تولید جهانی و منطقه‌ای در زمینه صنعت است. اصلاحات تجاری و اتخاذ سیاست درهای باز به منظور ارتباط بیشتر بازارهای منطقه با بازارهای جهان ممکن است در کوتاه‌مدت و به طور موقت باعث بدتر شدن تراز تجاری این کشورها شود اما در بلندمدت و با اتخاذ سیاستهای مناسب دولتی، می‌توان شاهد تأثیرات مثبت اصلاحات تجاری بر تمایلات صادراتی شرکت‌های خارجی به دلایل وجود نرخهای ارز واقعی رقابتی به ویژه در مراحل اولیه سرمایه‌گذاری این شرکتها بود.

به عبارت دیگر، گسترش سرمایه‌گذاریهای خارجی می‌تواند تأثیراتی - هم از نظر خرد و هم به لحاظ کلان اقتصادی - بر اقتصاد بر جای گذارد. از دیدگاه کلان اقتصادی، وجود یک نرخ ارز واقعی رقابتی منجر به افزایش انگیزه‌های صادراتی برای سرمایه‌گذاران داخلی و خارجی و نیز کاهش انگیزه برای واردات می‌شود. از دیدگاه اقتصاد خرد نیز سیاست‌های تشویقی در زمینه صنعت با تقویت ارتباطات پیشین، گسترش زیربنایی منابع فیزیکی و انسانی، حمایت از شکل‌گیری گروه‌های صنعتی و شرکت‌های وابسته به آنها، در مجموع می‌تواند اثرات توسعه‌ای بر اقتصاد کشور داشته باشد.

بنابراین، کشورهای میزبان، حتی اگر نتوانند به آسانی تأثیرات مثبت سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی را اندازه‌گیری کنند، نمی‌توانند آن را نادیده بگیرند. جداول ۵-۱ اطلاعاتی در مورد سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در کشورهای منتخب آمریکای لاتین و دریای کارائیب ارائه می‌کند.

پس از ذکر مقدمه، در ادامه به تجربه سرمایه‌گذاری خارجی در کشورهای آرژانتین، برزیل، مکزیک و ونزوئلا در آمریکای لاتین می‌پردازیم.

۲-۳ آرژانتین

هدف از سرمایه‌گذاری خارجی در این کشور، تحرک و ایجاد فعالیتهای جدید اقتصادی و توسعه و ترویج فعالیتهای موجود است. طی سالهای ۹۳-۹۰، میزان کل سرمایه‌گذاری در آرژانتین ۷۶۲۷ میلیارد دلار بوده است که ۶۰٪ از آن توسط سرمایه‌گذاران خارجی و بقیه توسط شرکت‌های آرژانتینی انجام گرفته است. براساس این آمار بیشترین حجم سرمایه‌گذاری خارجی در این کشور مربوط به کشور اسپانیا و کمترین حجم مربوط به کشور سوئیس است. همچنین اکثر سرمایه‌گذاریها در این کشور در بخش صنایع مادر و سنگین و بخش انرژی مستقر شده است. البته در بخش خدمات (راه‌آهن، شرکت برق و پست) نیز سرمایه‌گذاری خارجی صورت گرفته است.

مهمترین نتایج سرمایه‌گذاری خارجی در این کشور به شرح زیر است:

- افزایش راندمان و بازدهی فعالیت مؤسسات خدماتی و اگذار شده به بخش خصوصی

- کاهش کسری بودجه دولت آرژانتین و کمک به پرداخت وام‌های معوقه

- کاهش میزان زیاندهی دولت و حذف سوبسیدها

در این قسمت به برخی از قوانین مربوط به سرمایه‌گذاری خارجی در کشور آرژانتین اشاره می‌شود:

- سرمایه‌گذارها می‌توانند به شکل خرید سهام یکی از شرکتها، مؤسسات ملی و یا مشارکت در فعالیتهای اقتصادی موجود در کشور باشند.

- سهم خارجیها در شرکتهای متشکله به طور مستقیم یا غیرمستقیم حداکثر ۴۹ درصد و سهم افراد و شرکتهای داخلی نباید کمتر از ۵۱ درصد سهام باشد.

- سرمایه می‌تواند به شکل ارز تبدیل‌پذیر، کالاهای سرمایه‌ای، لوازم یدکی، سود یا سرمایه خارجی، وام خارجی به شکل ارز و یا سایر اشکال سرمایه‌گذاری تأیید شده به وسیله مقام قانونی باشد.

- اصل سرمایه سه سال پس از تاریخ ورود می‌تواند از کشور خارج شود و مازاد آن نیز پس از کسر مالیات قابل انتقال است.

- در صورت محدودیت ارزی، مازاد اصل سرمایه به صورت اوراق قرضه با نرخ بهره بین‌المللی به سرمایه‌گذار تحویل می‌شود.

- اگر سود سالیانه ناشی از سرمایه ثبت شده بیش از ۱۲ درصد باشد به آن مالیات اضافی تعلق می‌گیرد.

- سرمایه‌گذار خارجی می‌تواند تحت هر یک از شکلهای موجود مؤسسات قانونی در کشور فعالیت کند و در مورد خرید سهام نیازی به تصویب هیأت اجرایی ندارد.

البته در خرید سهام باید به دو نکته توجه شود: نخست اینکه، ارزش سهام خریداری شده توسط سرمایه‌گذار خارجی نباید بیشتر از ۲ میلیون دلار باشد. دوم، سهم سرمایه‌گذار خارجی از ۲۰ درصد سرمایه فراتر نرود.

۳-۳ برزیل

این کشور پس از جنگ جهانی دوم به سوی صنعتی شدن گام نهاد به طوری که هم اکنون یک کشور نیمه صنعتی محسوب می‌شود. به طوری که بخش صنعت بیشترین سهم را در صادرات برزیل دارد. این کشور در سال ۱۹۸۸ بیشترین مازاد تجاری جهان (۱۹/۱۷ میلیارد دلار) را پس از ژاپن و آلمان در اختیار داشته است. در عین حال در این سال برزیل بدهکارترین کشور جهان به لحاظ میزان بدهی‌های خارجی بوده است. در سال ۱۹۸۹ کشور برزیل پس از پرو و آرژانتین بالاترین نرخ تورم را در بین کشورهای آمریکای لاتین داشته است. به دلیل وخامت وضعیت اقتصادی در برزیل، طی سالهای ۸۹-۱۹۸۸، وضعیت سرمایه‌گذاریهای خارجی نیز در این کشور با نابسامانی مواجه شد. دلایل عمده این نابسامانی به شرح زیر است:

- نگرانی سرمایه‌گذاران از محدودیتهای ایجاد شده برای سرمایه‌گذاران خارجی در قانون اساسی مورخ ۱۹۸۸

- عدم اطمینان و عدم ثبات اقتصادی: در اواسط و اواخر دهه ۱۹۸۰ تغییرات ناگهانی در سیاستهای اقتصادی و کوتاه بودن دوره تصدی مراجع اقتصادی اجرائی سبب ایجاد خلل در روند سیاست اقتصادی آن کشور گردید.

- جو منفی ایجاد شده در زمینه سرمایه‌گذاری خارجی، تا حدی به بدهیهای عظیم خارجی این کشور مربوط بود.

در این کشور، در ارتباط با سرمایه‌گذاریهای خارجی عقاید متفاوتی وجود دارد. عده‌ای آن را کاملاً می‌پذیرند و عده‌ای دیگر آن را یک اقدام مضر می‌دانند که باید شدیداً تحت کنترل قرار گیرد. آن را عملی مضر و غیرضروری دانسته و معتقدند که باید به طور کلی از ورود آن جلوگیری شود.

به غیر از موارد استثنایی، سرمایه‌گذاران خارجی برای سرمایه‌گذاری مستقیم در هر یک از فعالیتهای قانونی و ایجاد شغل در هر کجای کشور آزادند. سرمایه‌گذاران خارجی به هیچ گونه اجازه خاصی برای خرید یا تشکیل شرکت‌های برزیل نیاز ندارند. البته دولت این کشور در زمینه سرمایه‌گذاریهای مستقیم بر اوراق بهادار یک سلسله موانع جدی اعمال کرده است. دولت برزیل با اعمال کنترل‌های ارزی، مالیاتهای مستقیم و غیرمستقیم و تشویق‌های سرمایه‌گذاری، سرمایه‌گذاری خارجی را کنترل می‌کند.

در ارتباط با قوانین سرمایه‌گذاری خارجی در برزیل به طور خاص می‌توان موارد زیر را در نظر گرفت:

- ثبت سرمایه‌گذاریهای خارجی؛ اجازه ثبت سرمایه‌گذاریهای خارجی از سال ۱۹۵۰ آغاز شد. سرمایه‌گذاری خارجی در برزیل یک اقدام اختیاری است و لزوماً در کشور ثبت نمی‌شود. ثبت سرمایه‌گذاریهای مستقیم خارجی در این کشور توسط بانک مرکزی صورت می‌گیرد. قانون برزیل به سرمایه‌گذار خارجی اجازه ثبت هر سرمایه به شکل پول یا دارایی‌هایی نظیر ماشین‌آلات و تجهیزات را که برای استفاده در فعالیتهای اقتصادی از خارج به آن کشور منتقل می‌شود، می‌دهد. سرمایه‌گذاریهای خارجی ثبت نشده قانوناً نمی‌تواند عودت داده شوند و سود سهام ناشی از آن نیز قانوناً نمی‌تواند حواله گردد. گواهینامه ثبت، ممکن است منتقل شود و یا به سرمایه‌گذار دیگری که سرمایه عمده را در اختیار دارد واگذار گردد. دارنده سرمایه‌گذاری ثبت نشده در مورد فروش سرمایه‌گذاری خود به افراد مقیم این کشور یا سایر سرمایه‌گذاران خارجی آزاد است. دارایی‌های غیرملموس نظیر اختراع ثبت شده و علائم تجاری، به ندرت به عنوان سرمایه‌گذاری خارجی ثبت می‌شوند. همچنین بر ارزش تکنولوژی ثبت شده یک مالیات ۲۵ درصدی وضع می‌شود.

- ارسال منافع؛ قانون ارسال منافع در سال ۱۹۶۲ در برزیل تصویب و در سال ۱۹۶۴ با توجه به انتقادات شدید نسبت به مواد آن اصلاح گردید. براساس این قانون، سرمایه‌گذاران خارجی قادر به عودت آزادانه کلیه سرمایه ثبت شده خود شدند. به علاوه ارسال کلیه منافع، مشروط بر پرداخت ۴۰ تا ۶۰ درصد مالیات بر درآمد اضافی در ارتباط با ارسال منافع که به طور متوسط بیش از ۱۲ درصد سرمایه ثبت شده آنهاست، مجاز است. اشکالات عمده‌ای در این قانون وجود دارد. نخست اینکه، به عوایدی که مجدداً سرمایه‌گذاری می‌شود اجازه افزوده شدن به مبنای سرمایه ثبت شده (به منظور ارسال در آینده) را نمی‌دهد. دوم اینکه، تورم را در مورد پولهای رایج خارجی که سرمایه‌گذاریهای خارجی بر حسب آنها ثبت می‌شود اعمال نمی‌کند. سوم، منابع نسبت بین سرمایه‌گذاری شده و منافع خالص در کلیه رشته‌های سرمایه‌گذاری یکسان در نظر گرفته شده است. چهارم، از آنجا که مبنای سرمایه ثبت شده در شرکتهای خدماتی نسبت به عواید خالص آن پایین است، اعمال ۱۲ درصد سود سهام خالص ثابت می‌تواند حاکی از تبعیض و حمایت از بخش خدمات باشد. پنجم، سرمایه‌گذاری خارجی در مناطق پردازش صادراتی طبق قانون شماره ۲/۴۵۲ مصوب ۲۹ ژوئیه ۱۹۸۸ انجام می‌شود. منطقه

عمل‌آوری صادرات طبق قانون مذکور عبارت است از شکل خاص از منطقه آزاد تجاری برای سرمایه‌گذاریهای خارجی در مناطق پردازش صادراتی که در بانک مرکزی در دفتر ثبت ویژه نگهداری می‌شود. در این خصوص توجه به موارد زیر ضروریست.

الف - تصویب پروژه‌های سرمایه‌گذاری خصوصی توسط شورای داخلی وزارتخانه‌ها که در مورد این مناطق فعالیت می‌کنند.

ب - صادر نمودن حداقل ۹۰ درصد از تولیدات صناعی که در این منطقه فعالیت می‌کنند.

ج - مشابه نبودن این تولیدات با کالاهای صادر شده از برخی مناطق دیگر کشور

د - مرتبط نبودن این تولیدات با سهمیه‌بندی بین‌المللی و موافقت‌های دوجانبه

ه - فروش ۱۰ درصد از تولیدات شرکتهای واقع در این مناطق در داخل کشور با توجه به ۷۵ درصد عوارض بر اختلاف بین قیمت‌های فروش داخلی و اقلام وارداتی.

و - معافیت شرکتهای واقع در این مناطق از کتترل‌های ارزی و عوارض وارداتی

ز - ملزم بودن شرکتهای واقع در این مناطق به پرداخت مالیات معمولی بر درآمد در ارتباط با درآمدهای صادراتی آنها، این رقم در سال ۱۹۸۹، ۳ درصد و در سال ۱۹۹۰، ۶ درصد بوده است.

ح - معافیت سود سهام این شرکتها از پرداخت ۲۵ درصد مالیات در ارتباط با حواله‌ها به خارج.

ششم، انتقال تکنولوژی خارجی؛ بر این اساس به سرمایه‌گذاران خارجی اجازه داده شده است که به ثبت سرمایه‌گذاری در زمینه انتقال تکنولوژی از طریق بانک مرکزی و بدون پرداخت ۲۵ درصد مالیات برای سرمایه‌گذاری تکنولوژی، اقدام نمایند. در این خصوص، حق امتیازهایی که به طور سمبلیک سرمایه‌گذاری مجدد شده است، انتقال واقعی تکنولوژی را با دلسردی مواجه می‌سازد. به علاوه به سرمایه‌گذاران خارجی باید اجازه ثبت سرمایه‌گذاری خارجی به شکل حق تولید داده شود. اعمال قوانین انتقال تکنولوژی از خارج، برزیل را از رسیدن به سطح کشورهای با تکنولوژی پیشرفته باز می‌دارد. هفتم، تبدیل بدهی به سهام؛ حجم عظیم سرمایه‌گذاریهای خارجی که طی سالهای گذشته در برزیل به ثبت رسید ناشی از تبدیل بدهیها بوده است. از سال ۱۹۸۴، این گونه تبدیلهای تابع مقررات شدیدی شده است. تبدیل مجموعه مبالغ بدهیهای خارجی برزیل به پنج گروه تقسیم می‌شود. مبالغی که بانک مرکزی با توجه به پرداختهای اصل و بهره تعلق گرفته شده و هزینه بدهی بخش خصوصی و دولتی سپرده‌گذاری می‌کند. بدهی معوقه بخش خصوصی که از سپرده‌های اختیاری بانک مرکزی بر حسب نرخ ارزی که مطابق آیین‌نامه‌های شماره ۴۳۲ و ۲۲۹ بانک مرکزیست تأمین می‌شود. وامهای معوق دستگاههای دولتی، هزینه‌ها و بهره متعلقه، وامهای معوق شرکتهای دولتی، هزینه‌ها و بهره متعلقه و وامهای معوق بخش خصوصی، هزینه‌ها و بهره متعلقه. پنج گروه فوق، قابل تبدیل به سهام هستند. بدهیهای گروه اول به سهام تحت مالکیت بخش خصوصی - از طریق خرید سهام مربوطه در بورس برزیل - قابل تبدیل است.

در ارتباط با عوامل جذب سرمایه‌گذاریهای خارجی در برزیل می‌توان به افزونی جمعیت، دارا بودن بازارهای

داخلی قابل توجه، فراوانی منابع طبیعی، رشد اقتصادی سریع، نیروی کار ارزان، معافیت‌های مالیاتی و کمک‌های اعتباری اشاره کرد. همچنین موانع موجود بر جذب سرمایه‌گذاریهای خارجی در برزیل به بحران بدهیها همراه با کاهش شدید در قدرت وام‌گیری خارجی این کشور و کاهش رشد عمومی اقتصاد، اعمال سیاست‌های نامناسب اقتصادی، اعلام یکجانبه عدم پرداخت بدهیها، اقدامات ضدسرمایه‌گذاری خارجیان طبق قانون اساسی سال ۱۹۸۸ و بالا بودن سطح تورم در این کشور مربوط است.

محدودیت‌های قانونی در ارتباط با سرمایه‌گذاری خارجی را می‌توان در موارد زیر خلاصه کرد:

- اعمال محدودیت در مورد مشارکت خارجی در بانک‌های دولتی، پتروشیمی، حمل و نقل و کامپیوتر
- وجود شبه انحصارات و انحصارات دولتی در زمینه‌های تصفیه، واردات و استخراج نفت، استخراج و حفاری گاز طبیعی و سایر هیدروکربن‌های مایع، حمل لوله‌های گاز طبیعی، نفت خام و مشتقات آن، استخراج، حفر معدن، عمل‌آوری، تجارت مواد معدنی اتمی و مشتقات آن، توزیع الکتریسته، مخابرات، راه‌آهن، بنادر و سایر خدمات عمومی

- ممنوعیت سرمایه‌گذاری خارجی در زمینه‌های حمل و نقل داخلی و واگذاری خطوط هوایی

- ممنوعیت مشارکت شرکت‌های تحت کنترل خارجی در امور معدن، نیروی هیدروالکتریسته و مراقبت‌های بهداشتی.

۳-۴ مکزیک

استراتژی توسعه اقتصادی مکزیک، بر یک اقتصاد باز و برون‌گرا، از طریق آزادسازی تجارت، مقررات‌زدایی عمومی اقتصاد و خصوصی‌سازی فعالیتهای تجاری دولت بنیان نهاده شده است. در تجدید ساختار بخش تولید صنعتی مکزیک، برای سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی نقش کلیدی در نظر گرفته شده است زیرا سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی عاملی برای دستیابی به تکنولوژی مدرن، دسترسی به بازارهای خارجی و روشهای جدید مدیریت در نظر گرفته می‌شود. به علاوه سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی می‌تواند ایجاد اشتغال نماید، منابع مالی جدیدی تأمین کند و به افزایش تولیدات صادراتی کمک نماید.

مهمترین قانون مربوط به سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی مکزیک، قانون "ترویج سرمایه‌گذاری مکزیک و تنظیم سرمایه‌گذاری خارجی" مصوب سال ۱۹۷۳ است. این قانون، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی را در زمینه‌هایی که به بخش دولتی و خصوصی مکزیک اختصاص دارد ممنوع ساخته است. این بخش‌ها عبارتند از: نفت و سایر هیدروکربورها، تولیدات اصلی نفت، مواد معدنی رادیو اکتیو و استراتژیک، نیروی هسته‌ای، نیروی برق، راه‌آهن، ارتباطات تلگرافی و رادیویی، بانکداری، رادیو و تلویزیون، فعالیتهای کشاورزی، راه‌ها، حمل‌ونقل هوایی و آبی، جنگلداری، توزیع گاز و واسطه‌گری مالی. به علاوه سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در بعضی از گروههای تولیدی، تنها به نسبت معینی از کل سرمایه شرکت، برای مثال معدن (۴۹٪)، محصولات ثانویه پتروشیمی (۴۰٪) و ساخت قطعات خودرو (۴۰٪) مجاز است.

قانون ۱۹۷۳ مقرر می‌دارد، جز در مواردی که به موجب این قانون یا مقررات دیگر، حدود دیگری معین شده است سرمایه شرکای خارجی نباید از ۴۹ درصد کل سرمایه شرکت تجاوز کند. ولی این یک اصل کلی است و گاه استثناهایی بر این اصل وارد می‌شود.

سرمایه‌گذاری‌های که مکمل سرمایه‌گذاری‌های ملی باشد، شرکت‌های ملی را از میدان فعالیت خارج نکند، بر تراز پرداختها تأثیر مثبت داشته باشد (به خصوص از طریق توسعه صادرات)، اشتغال محلی را افزایش دهد، در تولید نهایی خود از موارد قطعات داخلی استفاده کند و یا به مدرنیزه کردن تکنولوژی مکزیک کمک نماید. اما می‌تواند با اکثریت سهامداران خارجی شکل گیرد. شرکت‌هایی که نسبت سرمایه‌گذاری خارجی آنها حداکثر ۴۹٪ است می‌توانند جز در زمینه‌هایی که ممنوع اعلام شود، بدون مجوز قبلی فعالیت کنند.

تا قبل از بحران بدهی‌های سال ۱۹۸۲، قانون با شدت و سختگیری اجرا می‌شد و هدف اصلی این بود که سرمایه‌گذاری خارجی به صنایع معینی محدود گردد. بعد از سال ۱۹۸۲، اصلاحاتی بر این قانون صورت گرفت هر چند که قانون سال ۱۹۷۳ به صورت یک چارچوب کلی حفظ گردید.

در سال ۱۹۸۴ مقررات جدیدی با عنوان "دستورالعمل سرمایه‌گذاری خارجی و تشویق و ترویج آن" وضع گردید. این دستورالعمل سعی داشت مشارکت خارجی در زمینه‌های ماشین‌آلات سنگین، تجهیزات الکترونیک، تولیدات تکنولوژی پیشرفته و جهانگردی را مورد تشویق قرار دهد. به عبارتی در زمینه‌های صنایع پیچیده و سرمایه‌بر و فعالیتهایی با تکنولوژی پویا و فعال در جهت توسعه صادرات، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی تشویق شد. در مکزیک دولت همچنان مصمم است از طریق تسریع روند آزادسازی و شفاف‌تر نمودن مقررات، سرمایه‌گذاری‌های مستقیم خارجی را بیشتر جذب نماید.

لازم به ذکر است که چنانچه قبلاً نیز اشاره گردید، قانون سال ۱۹۷۳ تغییر نکرده است بلکه تنها نحوه اجرای آن عوض شده و دولت مکزیک کوشیده است از این طریق به جلب سرمایه‌گذاری‌های خارجی اقدام نماید. بنابر مقرراتی که در مه ۱۹۸۹ آغاز گردید، مشارکت خارجی به میزان ۱۰۰ درصد سرمایه و بدون کسب مجوز در زمینه‌های زیر امکان‌پذیر گردید:

حداکثر تا ۱۰۰ میلیون دلار، در دارایی‌های ثابت سرمایه‌گذاری کرده باشد، منابع مالی مستقیماً از خارج تأمین شده باشد، سرمایه‌گذاری در تأسیسات صنعتی خارج از سه منطقه شهری بزرگ انجام شده باشد و در طول سه سال اول فعالیت، رقم انباشته جریان ارز خارجی مثبت باشد. بنابراین چنانچه ملاحظه می‌شود قصد کلی در مکزیک این است که صدور مجوزهای موردی، تنها به موارد استثنایی محدود شود و تأخیرهای اداری به حداقل کاهش یابد.

در چارچوب کلی آزادسازی اقتصادی در مکزیک، می‌توان به آزادسازی مقررات انتقال تکنولوژی نیز اشاره نمود. به طوریکه سیاست‌های قبلی در این زمینه که بر اهدافی چون کاهش مبالغ پرداختی بابت تکنولوژی خارجی و تقویت قدرت چانه‌زنی دریافت‌کنندگان داخلی تکنولوژی استوار بود جای خود را به سیاست جدید که هدف آن تأمین تکنولوژی نوین و رقابت‌آمیز می‌باشد داده است. این حرکت بر این فرض استوار بوده است که در یک فضای باز و

رقابت‌آمیز، شرکتها و مؤسسات، خود به خود به اخذ تکنولوژی خارجی براساس قیمتها و شرایط رقابت‌آمیز و بهبود تواناییهای تکنولوژیک داخلی علاقمند خواهند گردید.

۳-۵ ونزوئلا

۳-۵-۱ نکاتی برجسته از تحولات اقتصادی ونزوئلا:

ونزوئلا یکی از صادرکنندگان عمده نفت و از بنیانگذاران سازمان اوپک است. این کشور پیش از دوره توسعه صنعت نفت، اساساً کشوری زراعی بود که با کشف نفت و عدم تعادل بین قیمت محصولات زراعی و محصولات وارداتی، افزایش سریع دستمزدهای صنعتی و متمرکز شدن سریع مراکز شهری، بخش کشاورزی با بحران مواجه گردید.

روند صنعتی در ونزوئلا با درآمدهای دولتی ناشی از استخراج نفت و سیاست‌های حمایت‌گمرکی تقویت گردید. از سال ۱۹۸۹ (آغاز ریاست جمهوری پرز) سیاست اقتصادی ونزوئلا برپایه حرکت به سوی اقتصاد آزاد با تمایل به ایجاد وحدت با سایر کشورها تدوین گردید و یکی از قدمهای اساسی دولت ونزوئلا به منظور برطرف نمودن عوامل بازدارنده سرمایه‌گذاری خارجی، عضویت در گات بوده است. نتیجه برنامه اصلاح اقتصادی دوساله (۹۰-۱۹۸۹) ونزوئلا، کاهش سوبسیدها و کنترل قیمتها، کاهش واردات و پایین آمدن نرخ تورم بود.

۳-۵-۲ روشها، محدودیتها و سیستم تشویق و جذب سرمایه‌گذاری خارجی در ونزوئلا از دید قانون:

به دنبال تجربه دهه ۱۹۸۰ در زمینه پایین بودن رشد اقتصادی و نیز در شرایط کاهش عواید دولت به دنبال پایین آمدن قیمتهای بین‌المللی، کشور ونزوئلا نیاز برای سرمایه‌گذاری خارجی بیشتر، امضا موافقت‌نامه‌ها و انتقال تکنولوژی به منظور توسعه بیشتر صنایع را تشخیص داد. در اوایل سال ۱۹۹۰ قانون سرمایه‌گذاری محدود خارجی ونزوئلا، طبق ماده ۷۲۷، مقررات آزادسازی قابل توجهی را اعمال و برخی محدودیتها را حذف نمود و به این ترتیب سیاست‌های سرمایه‌گذاری را اصلاح کرد. تغییرات عمده در مقررات جدید سرمایه‌گذاریها به شرح زیر است:

اجازه سرمایه‌گذاری خارجی بدون شرایط اولیه، ارائه اجازه برای شرکت‌های خارجی به منظور ایجاد شعب بدون هیچ‌گونه محدودیت، اجازه به سرمایه‌گذاران خارجی برای خرید مستقیم سهام شرکت‌های مختلط یا ملی، شناسایی سرمایه‌گذاران خارجی و ارزش ارز خارجی وارد شده به کشور توسط سرمایه‌گذاران خارجی برای پرداخت سهام، توانایی خارجی‌ان برای خرید سهام از بازار بورس، عدم نیاز به اجازه قبلی برای عرضه سهام در قبال بدهی‌های خصوصی خارجی، عودت غیرمحدود سود سهام، عدم نیاز به اجازه قبلی برای کاهش سرمایه، تغییر شکل مجاز شرکت‌های خارجی به ملی یا مختلط در طی ۳۰ سال، دسترسی آزاد شرکت‌های مختلط و خارجی به قروض بلندمدت و کوتاه‌مدت محلی، امکان انتشار اوراق بهادار توسط شرکت‌های مختلط خارجی در بازار سرمایه، حذف نیاز به کسب اجازه قبلی برای موافقت‌نامه‌ها، پرداخت حق امتیاز به شرکت مادر، ماکزیمم بهره پرداختی به وام‌های خارجی به نسبت شرکت‌های وابسته، محدودیتی در مورد کشاورزی، توریسم، مؤسسات ملی و مؤسسات مختلط که حدود ۶۰

درصد یا بیشتر محصولات آنها صادر شود وجود ندارد و چنانچه ارائه تکنولوژی توسط کمپانی مادر یا شعب آن انجام شود، پرداخت حق امتیاز لازم نیست.

۳-۵-۳ روش سرمایه گذاری خارجی

سرمایه گذاری خارجی ممکن است از طریق افزایش سرمایه شرکتهای موجود، بازخرید سهام از سهامداران ونزوئلایی و یا خارجی و یا با خرید سهام از بازار بورس صورت گیرد و خرید سهام مستلزم کسب اجازه قبلی نیست. البته در سال ۱۹۸۶، محدودیت های موجود در مورد مؤسسات خارجی برای کسب و تأمین مالی از بانکهای ملی توسط بانک مرکزی لغو گردید و این مسئله منجر به کاهش هزینه تأمین مالی کوتاه مدت برای شرکتهای چندملیتی گردید. لازم به ذکر است سرمایه گذاری خارجی در کلیه زمینه ها به استثناء بخش هایی نظیر شرکتهای بازرسی، رسانه های جمعی و به ویژه شرکتهای خدمات حرفه ای، نفت، سنگ آهن، بانکداری، بیمه و کشتیرانی ساحلی مجاز است.

۳-۵-۴ محدودیتهای مربوط به سرمایه گذاری خارجی:

در این کشور اعطای اختیار و ثبت به وسیله مسئول سرمایه گذاری خارجی ضروریست همچنین جز در مورد سرمایه های عمده و تکنولوژیهای سطح بالا مالکیت اکثریت محلی تشویق می شود. و سرمایه گذاریها اکثراً به صورت مشترک با بخش های خصوصی یا دولتی انجام می شود. هر چند سرمایه گذاریهای خارجی در معادن و نفت مجاز نیست.

۳-۵-۵ عوامل مؤثر در جذب سرمایه گذاری خارجی در ونزوئلا

واقع شدن در محل استراتژیک که دسترسی به بازارهای آمریکا، کانادا، ژاپن، اروپا و سایر کشورهای آمریکای لاتین، زیربنای صنعتی، منابع طبیعی فراوان نفت، بوکسیت، گاز، آلومینیوم، آهن، ذغال سنگ و طلا، عرضه انرژی ارزان، سابقه طولانی در زمینه ثبات دموکراسی در میان کشورهای آمریکای لاتین، فراوانی نیروی کار ارزان، امکان جذب توریسم با توجه به وجود شرایط متفاوت اقلیمی، سابقه بازپرداخت بدهیهای زیاد، تعهد نسبت به انجام اصلاحات بازار و در نهایت انجام مراحل سرمایه گذاری خارجی به طور غیر بوروکراتیک از عوامل تسهیل کننده سرمایه گذاری خارجی از ونزوئلا به شمار می رود.

۴- آفریقا

۴-۱ روند کلی

جریان سرمایه گذاری مستقیم خارجی به آفریقا، نسبت به اوایل دهه ۱۹۹۰ در سطح بالاتری قرار گرفته است.

چنانچه میزان آن به طور متوسط از ۳/۲ میلیارد دلار طی سالهای ۹۳-۹۱ به ۵/۲ میلیارد دلار طی سالهای ۹۶-۹۴ رسیده است. جریان ورودی سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی به این منطقه در سال ۱۹۹۷، ۴/۷ میلیارد دلار بوده است که نسبت به سال قبل تغییر چندانی از خود نشان نمی‌دهد.

اطلاعات مربوط به شرکتهای خارجی وابسته به ایالات متحده و ژاپن در آفریقا نشان می‌دهد، این قاره دارای موقعیت مناسبی برای انجام سرمایه‌گذاریهای سودآور است. به علاوه از آنجا که از سال ۱۹۸۹ حدوداً $\frac{3}{5}$ جریانهای سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی شرکتهای فراملی کشورهای فرانسه، آلمان، انگلستان و آمریکا در زمینه صنعت و خدمات در آفریقا صورت گرفته، می‌توان این فرض را که "آفریقا تنها به دلایل وجود منابع طبیعی سرمایه‌های خارجی را جذب می‌کند"، رد کرد.

هفت کشور بوتسوانا، گینه استوایی، غنا، موزامبیک، نامیبیا، تونس و اوگاندا بر حسب جریانهای ورودی سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و نیز رشد آن طی سالهای ۹۶-۹۲، در مقایسه با سایر کشورهای آفریقایی و نیز کشورهای در حال توسعه، از موقعیت بهتری برخوردار بوده‌اند.

اگر چه وجود منابع طبیعی در این کشورها یکی از عوامل مهم در جذب سرمایه‌های خارجی بوده است اما موفقیت نسبی این کشورها را در این زمینه نمی‌توان تنها ناشی از این عامل دانست. عوامل دیگری چون رشد سریع بازارهای ملی، دستیابی به بازارهای منطقه‌ای، برنامه‌های قابل توجه در زمینه خصوصی‌سازی - به خصوص در مورد کشور تونس -، ایجاد مشوقهائی در زمینه توسعه صادرات و حمایت از سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در کشور نقش مهمی در جذب سرمایه‌های خارجی ایفا می‌کند.

بهبود قابل ملاحظه در چارچوب قوانین مربوط به سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، به علاوه پیشرفت قابل توجه در ثبات سیاسی و کلان اقتصادی نیز از دیگر عوامل موفقیت این کشورها بوده است.

جداول پیوست اطلاعاتی در زمینه جریانهای سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی به آفریقا و برخی از کشورهای منتخب در این قاره، ارائه می‌کند.

۴-۲ غنا

۴-۲-۱ چند نکته در مورد سرمایه‌گذاری خارجی و قوانین مربوط به آن در غنا

غنا پس از استقلال در سال ۱۹۵۷ اقدام به انجام سرمایه‌گذاریهای عمومی و تأسیس مؤسسات با مالکیت دولتی نمود.

در دهه ۷۰ بانکهای خارجی به غنا اعتبارات زیادی دادند. بالا بودن نرخ بهره این وامها، عدم کارایی مدیریت بدهیها، اقتصادی نبودن پروژه‌ها و بی‌کفایتی رهبران سیاسی باعث به وجود آمدن بحران بدهی در این کشور گردید. در دهه ۸۰ اعطای این اعتبارات قطع شد. در این دهه سیاست جذب و جلب سرمایه‌گذاری تغییر یافت و عمدتاً سرمایه‌گذاریهای خارجی در بخش خدمات صورت گرفت. به طور کلی نقدینگی موجود و منابع لازم برای جذب

نیروی کار و سایر سرمایه‌گذاران در غنا کافی نیست. وجود موانع سیاسی و اقتصادی، سرمایه‌گذاری این کشور را به بخشهای معدن، راه و ساختمان و انرژی محدود کرده است. با این حال، این کشور تسهیلاتی را برای سرمایه‌گذاری خارجی در نظر گرفته است که عبارتند از: انتقال سود سهام، ارسال وجه، معافیت‌های مالیاتی و امکان تبدیل ارز توسط سرمایه‌گذاران خارجی.

۳-۴ مصر

۱-۳-۴ چند نکته در مورد وضعیت اقتصادی و سرمایه‌گذاری خارجی در کشور مصر

این کشور دارای رشد بسیار بالای جمعیت است و لذا یکی از مشکلات آن، تأمین مواد غذایی در داخل کشور است. در دهه ۱۹۷۰ کشور مصر یکی از کشورهای صادرکننده مواد غذایی بود در حالیکه در دهه ۱۹۸۰ به یک کشور واردکننده مواد غذایی تبدیل شد. دولت مصر به واردات نفت و مواد غذایی سوبسید اعطا می‌کند و لذا با تراز منفی تجاری و قروض زیاد مواجه است. نفت و پنبه اقلام عمده صادراتی این کشور هستند. در دهه ۱۹۸۰، مصر با مشکلات جدی اقتصادی مواجه شد و دیون خارجی این کشور روند صعودی از خود نشان داد. این مشکلات به همراه جنگ خلیج فارس و بازگشت بخش اعظم نیروی کار شاغل در عراق و کویت به این کشور تأثیر نامطلوبی بر اقتصاد کشور داشت.

دولت مصر در دهه ۱۹۸۰ اعتقاد داشت، پروژه‌هایی که جنبه استراتژیک دارند باید توسط دولت اداره شود زیرا بخش خصوصی قادر به پرداخت هزینه این پروژه‌ها نیست. همچنین این کشور اجازه نمی‌داد پروژه‌های کلیدی، توسط خارجیان اداره شود.

در خصوص سرمایه‌گذاری خارجی در کشور مصر قانون کنترل ارزی که در سال ۱۹۷۶ صادر گردید، به شرکتهای خارجی اجازه تأسیس در چارچوب قانون سرمایه‌گذاری را می‌دهد. همچنین این قانون به مؤسسات و اشخاص مصری و نیز به خارجیان اجازه می‌دهد حسابهای بانکی ارزی تحت عنوان "حسابهای آزاد" افتتاح نمایند. در این کشور محدودیتی برای استفاده یا انتقال "تراز حسابهای آزاد" نگهداری شده در بانکهای عملیاتی وجود ندارد، در عین حال انتقالات سرمایه به خارج محدود است.

سود سهام و منافع بدست آمده توسط شرکتهای در چارچوب قانون سرمایه‌گذاری باید به تایید مقامات سرمایه‌گذاری مصر برسد. طبق قانون کلی سرمایه‌گذاران خارجی در پروژه‌هایی که عواید آنها، نیازهای آنها را تأمین می‌کند مجاز به انتقال منافع خالص سالانه خود به خارج از مصر هستند. در اکتبر ۱۹۸۹، دولت مصر قانون جدیدی را در خصوص جذب سرمایه‌های خارجی در کشور به اجرا درآورد.

لازم به ذکر است، در کشور مصر مناطق آزادی وجود دارد که قوانین خاصی در مورد سرمایه‌گذاری خارجی بر آنها حاکم است. سرمایه‌گذاران خارجی می‌توانند پروژه‌های خود را در مناطق آزاد - که در چارچوب قانون سرمایه‌گذاری کشور مصر قرار دارند - انجام دهند. اکثر کالاها و اقلام وارداتی برای پروژه‌های سرمایه‌گذاری در منطقه آزاد شامل

عوارض وارداتی یا مقررات گمرکی نمی‌شود.

همچنین طبق قانون سرمایه‌گذاری مصر، معاملات انجام شده در مناطق آزاد و بین این مناطق و سایر کشورها مشمول قانون کنترل ارزی معمول در مصر نیستند.

۴-۳-۲ سیستم تشویق و جذب و محدودیتهای مربوط به سرمایه‌گذاری خارجی

به منظور تشویق سرمایه‌گذاری خارجی، قانون سرمایه‌گذاری تشویقهای خاصی را برای شرکتهای خارجی فعال در مصر در نظر گرفته است. این تشویقها شامل فعالیتهای سرمایه‌گذاری پذیرفته شده از طرف مقامهای سرمایه‌گذاری و در زمینه‌های خانه‌سازی، صنعتی، توریستی و کشاورزی می‌شود.

ضمانت در مقابل مصادره یا توقیف، تشویقهای مالیاتی، تشویقهای وارداتی و گمرکی، مالکیت غیرمحدود سرمایه‌های سرمایه‌گذاری شده، تبعیت کردن از مقررات پروژه‌های بخش خصوصی، اعطای امتیازات مساوی در چارچوب قانون جدید سرمایه‌گذاری بدون توجه به ملیت و اقامتگاه مالکین، حق بدست آوردن زمین و اموال غیرمنقول، حق فعالیت از طرف شخص ثالث به منظور استفاده کامل از امکانات و ظرفیت موجود در پروژه‌های سرمایه‌گذاری؛ عدم وجود کنترل بر قیمت و یا سقف منافع، ضمانت دارایی‌ها و وجوه پروژه، عدم مصادره اموال غیرمنقول، عدم اعمال اقدامات قانونی در خصوص تخلفات از قانون گمرکی، ارزی، مالیات بر مصرف و مالیات بر درآمد قبل از مشورت با مسئول طرح، اعطای معافیت‌هایی مالیاتی و نیز معافیت‌های مربوط به پروژه‌های مناطق آزاد در راستای سیاستهای جذب سرمایه‌های خارجی هستند.

و اما از محدودیتهای مربوط به سرمایه‌گذاری خارجی در کشور مصر می‌توان موارد زیر را برشمرد:

۱- شرکتهای سهامی مشترک فقط می‌توانند در تملک مصریها باشند.

۲- در ارتباط با تعداد مؤسسين و حداقل سرمایه شرکتهای سهامی مشترک محدودیتهایی وجود دارد.

۴-۴ نامیبیا

۴-۴-۱ نکاتی درباره سرمایه‌گذاری خارجی و قوانین آن در نامیبیا:

وجود مشکلاتی از جمله بیکاری، وخامت اوضاع آموزش و پرورش، مشکل مسکن و کاهش رشد اقتصادی به موازات محدودیت منابع مالی، نامیبیا را به استفاده از سرمایه‌های خارجی ترغیب کرد. در دسامبر ۱۹۹۰، قانون سرمایه‌گذاری خارجی با تاکید و آگاهی بر این امر که سرمایه‌گذاری در پیشبرد منابع انسانی نامیبیا اولویت خاصی دارد به تصویب رسید.

در کشور نامیبیا، تمایل سرمایه‌گذاران خارجی سرمایه‌گذاری در معادن سرب، قلع، نقره، گرافیت، زغال سنگ، طلا و استخراج مواد شیمیایی از منابع آبی، استخراج نفت و گاز طبیعی است. ضمن اینکه دولت زمینه سرمایه‌گذاری خارجی در صنعت را در این کشور فراهم نموده است.

براساس لایحه سرمایه‌گذاری خارجی در نامیبیا:

- مراکز سرمایه‌گذاری در وزارت تجارت و صنعت ایجاد خواهد شد.
 - هیچ اجباری برای دولت و یا افراد این کشور در مشارکت سرمایه‌گذاری خارجی بجز در استخراج معادن وجود ندارد.
 - سرمایه‌گذاری خارجی در زمینه‌هایی که نیروهای داخلی، توان اجرای آن را دارند از طرف دولت ممنوع است.
 - در سرمایه‌گذاری خارجی منافع عمومی مردم و توسعه اقتصادی باید مورد توجه قرار گیرد.
 - پروژه‌ها باید در جهت افزایش ذخایر ارزی و ایجاد شغل‌های جدید باشد.
 - بعد از پرداخت مالیات، سرمایه‌گذاران خارجی حق تبدیل و فروش سرمایه و پول خود را به اتباع کشورهای خارجی خواهند داشت.
 - قانون سرمایه‌گذاری نامیبیا، سرمایه‌گذاران خارجی را به دو دسته تقسیم می‌کند: آنهایی که برای احراز وضعیت "سرمایه‌گذاری تایید شده" حائز شرایط نیستند یا تقاضای آن را ندارند و آنهایی که "گواهی سرمایه‌گذاری تایید شده" را دریافت کرده‌اند. دسته اول مشمول هیچ گونه جریان رسیدگی و ارزیابی قرار نمی‌گیرند و از هیچ گونه مزیت یا مساعدت خاصی نیز برخوردار نیستند. این دسته برای دریافت تاییدیه، طبق ضوابط خاصی که در قانون معین شده است مورد رسیدگی قرار می‌گیرند و از مجموعه‌ای از مقررات حمایتی، شامل ضمانتها و مشوقها برخوردار می‌گردند.
- ضمانتها و مشوقها براساس قانون بر دو مسئله اساسی متمرکزند: (۱) تأمین حق مالکیت (۲) محدودیت نقل و انتقالات ارزی و دسترسی به ارز لازم جهت تأمین نیازهای اساسی سرمایه‌گذار.
- نامیبیا قصد دارد با اتخاذ یک نرخ معقول و جذاب برای مالیات بر درآمد که شمول عام دارد، انگیزه و مشوقی برای سرمایه‌گذاران عرضه نماید. دولت نامیبیا به دلایل زیر از اعطای معافیت‌های چندساله مالیاتی، تخفیف‌های گمرکی برای واردات و نظایر آن بیش از آنچه در کشورهای در حال رشد معمول است خودداری نمود:
- (۱) نامیبیا برای ایجاد شرایط باثبات جهت رشد اقتصادی، نیازمند درآمد مطمئنی است که با تخفیف‌های کوچک و بزرگ در معرض کاهش و فرسایش مستمر قرار نگیرد.
 - (۲) تخفیف‌های مالیاتی می‌تواند اتلاف‌آمیز باشد. زیرا در بسیاری از موارد اگر سایر شرایط رضایت‌بخش باشد، تخفیف‌های مالیاتی برای جلب سرمایه‌گذاری خارجی ضرورت نخواهد یافت.
 - (۳) وجود معاهدات اجتناب از اخذ مالیات مضاعف، یا معافیتی که بسیاری از کشورهای صادرکننده سرمایه، به طور یکجانبه برای اجتناب از اخذ مالیات مضاعف عرضه می‌کنند، بیانگر این است که معافیت‌های چندساله مالیاتی در بیشتر موارد عملاً تأثیر مطمئنی دربر ندارد.
 - (۴) در حال حاضر به موجب قوانین مالیاتی نامیبیا، در رابطه با بخش‌های خاصی چون معدن، برخی مشوقهای مالی وجود دارد. چنانچه در آینده تشخیص داده شود که در یک بخش خاص، یا یک فعالیت خاص، عرضه تخفیف‌های مالی برای جلب سرمایه‌گذاری خارجی ضرورت دارد، اقدام لازم از طریق اصلاحیه‌ای بر قانون

موجود به عمل خواهد آمد.

۴-۵ نیجریه

۴-۵-۱ نکاتی در مورد سرمایه‌گذاری خارجی و موانع آن در نیجریه:

قانون سرمایه‌گذاری خارجی این کشور در سال ۱۹۷۳ به تصویب رسید. در این سال ۴۰ درصد سرمایه‌گذاران در نیجریه مربوط به شرکت‌های خارجی و ۶۰ درصد مربوط به شرکت‌های داخلی بود. این قانون به منظور تشویق سرمایه‌گذاری خارجی سقف سرمایه‌گذاران در نیجریه را حذف نمود. با این حال، شرایط نامطلوب اقتصادی از یک طرف و عدم ثبات سیاسی از طرف دیگر انگیزه‌ای برای سرمایه‌گذاری خارجی در این کشور ایجاد نکرد ضمن آنکه شاهد خروج سرمایه از این کشور نیز بوده‌ایم.

بالا بودن نرخ تورم و کاهش قدرت رقابتی کالاهای صادراتی، مشکل بودن انتقال سود شرکت‌های خارجی، کمبود اطلاعات مورد نیاز پروژه‌های پیشنهادی در رابطه با سرمایه‌گذاران، وجود بازارهای مساعد دیگر در منطقه، توجه سرمایه‌گذاران به کشورهای اروپای شرقی به دلیل ایجاد تحولات ساختاری در این کشورها و کمبود اعتبارات لازم در سطح جهانی را می‌توان از عوامل کاهش فعالیت‌های سرمایه‌گذاران خارجی در این کشور برشمرد. در سال ۱۹۹۲، فعالیت‌های بسیاری از شرکت‌های آمریکایی در این کشور متوقف شد. در این سال هندیها ۴ میلیارد دلار در نیجریه سرمایه‌گذاری نموده که این سرمایه‌گذاران بیشتر در صنایع تولیدی و اشتغال‌زا بوده است. بعد از بخش دولتی صنایع نساجی، بانکداری و بخش مالی مورد توجه هندیها قرار گرفت. به دلیل بالا بودن منابع نیروی انسانی در نیجریه آلمانیها نیز در زمینه‌های هواپیمایی، کشتیرانی و نفت سرمایه‌گذاری نمودند.

در مجموع اطلاعات مربوط به جریانهای ورودی سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در این کشور نشان می‌دهد علیرغم وجود موانع زیاد در نیجریه بر سر راه سرمایه‌گذاری خارجی پس از سال ۱۹۹۲، سرمایه‌گذاران رو به افزایش نهاد به طوریکه از رقم ۸۹۷ میلیون دلار در سال ۱۹۹۲ به ۲۲۰۱ میلیون دلار در سال ۱۹۹۵ رسید.

۵- سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در اروپای شرقی و مرکزی

۵-۱ روند کلی

اقتصادهای اروپای شرقی و مرکزی در سال ۱۹۹۷، رکود حاکم بر روند سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی را شکستند. در این سال، جریانهای سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی با ۴۴ درصد افزایش نسبت به سال ۱۹۹۶ به ۱۹ میلیارد دلار رسید. این افزایش، پس از کاهش ۱۰ درصدی در سال ۱۹۹۶ به وقوع پیوست. همچنین در سال ۱۹۹۷ برای اولین بار طی چند سال اخیر این منطقه با رشد مثبت GDP مواجه گردید.

عمده‌ترین کشور دریافت‌کننده سرمایه‌گذاری خارجی، روسیه بوده است که عمدتاً در زمینه منابع طبیعی و توسعه

زیربنایی به جذب سرمایه‌های خارجی پرداخته است. در سایر کشورهای منطقه رشد سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در زمینه صنعت و خدمات صورت گرفته است.

تغییر در الگوی سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در این منطقه، منعکس کننده تجربیات متفاوت کشورهای در حال گذار به سمت اقتصادهای مبتنی بر بازار، تحکیم چارچوب نهادی و قانونی مربوط به عملکرد شرکت‌های فراملی و تلاش‌هایی در زمینه خصوصی‌سازی است.

در مورد جریانهای خروجی سرمایه‌گذاری از منطقه اروپای شرقی و مرکزی، می‌توان گفت این جریانه‌ها در سال ۱۹۹۷ سه برابر گردید. در این زمینه نیز کشور روسیه بزرگترین صادرکننده سرمایه‌گذاری خارجی در منطقه به حساب می‌آید. علیرغم افزایش جریانهای ورودی سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در سال ۱۹۹۷ در اروپای شرقی و مرکزی، سهم جریان ورودی سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی به شکل سهام در این منطقه نسبت به کل، همچنان پایین و در حدود ۱/۸ درصد در سال ۱۹۹۷ می‌باشد.

دلیل اصلی این مسأله این است که اکثر کشورهایی که در سالهای اخیر برای ورود سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی محدودیت زیادی ایجاد نکرده‌اند سرمایه‌گذاری خارجی به صورت سهام در کشور آنها کمتر بوده است.

به علاوه، کم بودن سرمایه‌گذاری به شکل سهام نشان دهنده وجود موانعی نظیر مشکلات قانونی و قانونگذاری، رکود ناشی از گذار اقتصادی در منطقه و فقدان تجربه در مورد ایجاد تسهیلات در زمینه سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی است.

جداول پیوست اطلاعاتی در زمینه جریانهای سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در اروپای شرقی و مرکزی ارائه می‌کند.

۵-۲ رومانی

در سال ۱۹۹۱ قوانین سرمایه‌گذاری خارجی تصویب و بررسی شد. بر این اساس سرمایه‌گذاری خارجی در رومانی در بخش‌های استخراج معادن، صنایع ساختمان‌سازی، الکترونیک، حمل و نقل، ارتباطات، صنایع سبک، صنایع غذایی، کشاورزی و صنایع زیربنایی صورت گرفت. تا پایان سال ۱۹۹۲، کشورهای عضو سازمان همکاری اقتصادی و توسعه ۳۴٪ و کشورهای اتحادیه اقتصادی اروپا ۲۵ درصد از کل سرمایه‌گذاریهای خارجی در رومانی را به خود اختصاص دادند که در مجموع ۵۴٪ کل شرکت‌های خارجی ثبت شده را تشکیل می‌دهند.

توسعه و پیشبرد اقتصاد ملی، افزایش راندمان تولید، بهبود کیفی محصولات تولیدی و افزایش سوددهی از مهمترین هدفهای سرمایه‌گذاری خارجی در این کشور به شمار می‌روند.

در رومانی سرمایه‌گذاران خارجی می‌توانند با داشتن ۱۰٪ مالکیت شرکت یا به طور مشترک با اشخاص حقیقی و حقوقی داخلی به سرمایه‌گذاری (مشارکت در افزایش سرمایه موجود ثبت شده شرکتها و یا تحصیل سهام آنها) بپردازند.

با در نظر گرفتن هدف و نوع فعالیت سرمایه‌گذاران خارجی در این کشور ملاحظه می‌شود، سرمایه‌گذاری می‌تواند

در رشته‌هایی چون صنعت، اکتشاف، تولید منابع طبیعی، کشاورزی، صنایع زیربنایی، ارتباطات، کارخانجات صنعتی، تحقیقات علمی، توسعه دانش فنی، تجارت، حمل و نقل، توریسم، بانکداری، خدمات بیمه و سایر خدمات صورت گیرد. ضمن اینکه این فعالیتها نباید مغایر با امنیت ملی، منافع دفاعی و حفاظت محیط زیست باشد.

رومانی تلاش می‌کند خود را از وابسته بودن به منابع طبیعی و مواد اولیه نجات دهد و برای رهایی از این وابستگی، سرمایه‌گذاریهای وسیعی در زمینه تجارت و خدمات که ریسک آنها پایین است و بازدهی سریع دارند انجام داده و سرمایه‌گذاران را به سرمایه‌گذاری در رشته‌های فوق تشویق و ترغیب نموده است. مشارکت سرمایه‌گذاران خارجی در این کشور می‌تواند به شکل سرمایه‌گذاری به صورت پول قابل مبادله، ماشین‌آلات، تجهیزات، وسایل حمل و نقل، قطعات یدکی و یا سایر کالاها باشد. حق اختراع، لیسانس، فن علایم تجاری، حق تألیف، مهارت و روشهای سازماندهی و مدیریت از انواع دیگر مشارکت سرمایه‌گذاران خارجی در کشور رومانی محسوب می‌شوند.

به طور خلاصه عوامل مؤثر بر جریان ورودی سرمایه به رومانی را می‌توان به صورت زیر برشمرد:

الف - معافیت‌های مالیاتی و بخشودگیها مانند ۲۵٪ بخشودگی مالیاتی در موارد زیر:

۱- حداقل ۵۰٪ مواد اولیه، انرژی و سوخت ضروری وارداتی باشد.

۲- حداقل ۵۰٪ تولیدات بخش مزبور صادراتی باشد.

۳- حداقل ۵۰٪ ماشین‌آلات و تجهیزات ضروری برای توسعه سرمایه‌گذاریهای موجود از تولیدات داخلی تأمین شود.

۴- حداقل ۵۰٪ شغل جدید از طریق سرمایه‌گذاری صورت گیرد.

۵- بیش از ۱۰٪ هزینه برای تحقیقات علمی، توسعه دانش فنی مدرن در رومانی و برای آموزش فنی و حرفه‌ای منظور شود.

ب - ماشین‌آلات، تجهیزات، تأسیسات، وسایل حمل و نقل و سایر لوازم یدکی که به منظور مشارکت سرمایه‌گذاران خارجی وارد می‌شوند، از عوارض گمرکی معاف هستند.

ج - مواد اولیه و ملزومات و قطعات که به منظور تولید وارد می‌شوند به مدت ۲ سال از شروع فعالیت و اجرای پروژه از پرداخت عوارض گمرکی معاف هستند.

د - سرمایه‌گذاریها در بخش صنعت، کشاورزی و بخش‌های ساختمانی از آغاز فعالیت به مدت ۵ سال از پرداخت مالیات معاف هستند.

ه - سرمایه‌گذاریها در بخش اکتشاف، تولید منابع طبیعی، ارتباطات و حمل و نقل از آغاز فعالیت به مدت ۳ سال از پرداخت مالیات معاف هستند.

و - سرمایه‌گذاریها در بخش تجارت، توریسم، بانکداری و خدمات بیمه از آغاز فعالیت به مدت ۲ سال از پرداخت مالیات معاف هستند.

یکی از موانع سرمایه‌گذاری خارجی در کشور رومانی این است که این کشور به دلیل ورود مواد اولیه مانند نفت، گازوئیل، پنبه و زغال‌سنگ از کشورهای دیگر شدیداً تحت تأثیر نوسان قیمت جهانی و تحولات سیاسی در روند

تولید خود می‌باشد. این مسئله باعث کاهش انگیزه سرمایه‌گذاری در زمینه صنایع تولیدی و نیز متالوژی، شیمی و پتروشیمی می‌شود.

تحولات سیاسی بعد از انقلاب رومانی و عدم وجود امنیت لازم در این کشور، از دیگر موانع موجود در زمینه سرمایه‌گذاری خارجی محسوب می‌شوند.

۶- رویکرد کلان به سرمایه‌گذاری خارجی

۶-۱ بنیان نظری

از جمله عوامل مهم در رشد اقتصادی کشورها، به ویژه کشورهای در حال توسعه فراهم آوردن سرمایه، به منظور تأمین مالی تشکیل سرمایه داخلی است. از آنجا که اقتصاددانان موتور رشد و توسعه اقتصادی را سرمایه می‌دانند، تزریق سرمایه به اقتصاد از دیدگاه نظری توجیه‌پذیر می‌شود. اقتصاددانان بیشماری نظیر آدام اسمیت، دیوید ریکاردو، هارود، دومار و آرتور لوییس کم و بیش به بحث در مورد تشکیل سرمایه و سرمایه‌گذاری و رابطه آن با رشد اقتصادی پرداخته‌اند. اسمیت قبل از تقسیم کار، تراکم سرمایه را شرط رشد و توسعه می‌داند. شرایط رشد هارود - دومار، افزایش پس‌انداز و تراکم سرمایه است. در نظریه رشد نئوکلاسیک که از تابع کاپ - داگلاس استفاده می‌کند، رشد تولید تابعی از تراکم سرمایه می‌باشد.

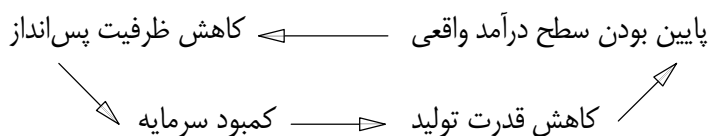
در امر سرمایه‌گذاری، دو سازوکار اصلی در نظر گرفته می‌شود:

۱- ایجاد مازاد و تبدیل این مازاد به پس‌انداز که به مسأله ترجیحات جامعه بین مصرف حال و آتی و این نیز به نوبه خود به نوع اداره جامعه و نظام اقتصادی حاکم بر آن ارتباط دارد.

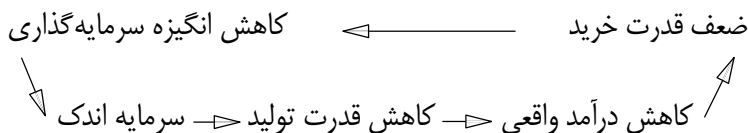
۲- تبدیل پس‌انداز به سرمایه‌گذاری که به سودآوری، حداکثر کردن مقدار تولید، امکان کانالیزه‌شدن منابع مالی و ریسک بستگی دارد.

یکی از عمده‌ترین مشکلات کشورهای در حال توسعه را باید در مسأله "کمبود سرمایه" آنها بررسی نمود. در این راستا و برای توجیه این مسأله اقتصاددانان توسعه با توجه به طرف تقاضا در امر تشکیل سرمایه در این کشورها، بر طرف عرضه تاکید کرده و مشکل را در این قسمت جستجو می‌نمایند. راگنار نورکس برای توضیح پدیده تشکیل سرمایه از دور باطل فقر چه در طرف عرضه و چه در طرف تقاضا استفاده می‌کند.

در طرف عرضه:



در طرف تقاضا:



روزن اشتاین - رودن پایین بودن سطح درآمد و به دنبال آن سطح پس انداز، حجم محدود بازار، رابطه مبادله نابرابر در بازرگانی خارجی، عدم وجود سرمایه‌های زیربنایی لازم، عدم وجود بازار مالی و بازار سرمایه مناسب را عامل مهم در پایین بودن تشکیل سرمایه در این کشورها می‌دانند.

بنابراین با پذیرش این مسئله که شکاف بین پس انداز و سرمایه‌گذاری در کشورهای در حال توسعه، از طریق پس اندازهای داخلی آنها پوشش نمی‌یابد و از طرف دیگر بازارهای مالی این کشورها مراحل ابتدایی خود را می‌گذرانند، مسئله جذب سرمایه‌های خارجی مورد توجه قرار می‌گیرد. از طرف دیگر، در دهه‌های اخیر ارتباط و ادغام اقتصاد کشورهای جهان در قالب مسئله جهانی شدن، اهمیت شناخت این پدیده اقتصادی را دو چندان نموده است. با توجه به ضرورت شناخت این مسئله، دلایل سرمایه‌گذاری خارجی، انواع اشکال ورود سرمایه اتخاذ نظام سیاستی به منظور سرمایه‌گذاری خارجی، عوامل مؤثر بر سرمایه‌گذاری خارجی، تأثیر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در کشورها و نکات مثبت و منفی آن به طورگذرا بررسی می‌شود.

۶-۲ دلایل سرمایه‌گذاری خارجی

سرمایه‌گذاری خارجی به دلایل گوناگون از جمله کاهش نرخ سود در کشور مبدأ، وجود منابع سرمایه‌گذاری مازاد و... انجام می‌شود. نظریه‌های متعارف اقتصادی که به مسئله دلایل سرمایه‌گذاری خارجی پرداخته‌اند عبارتند از:

- فرضیه‌های مبتنی بر نرخهای نسبی بازده مورد انتظار، کاهش مخاطره و اندازه بازار

- فرضیه‌های مبتنی بر نقص بازار

- فرضیه‌های مبتنی بر رقابت چند انحصاری

- فرضیه‌های دیگری که در آن بر نقدینگی شرکتهای تابع، ملاحظات نرخ ارز و... تاکید می‌شود.

در مجموع نظریه واحد پذیرفته شده‌ای درباره دلایل سرمایه‌گذاری خارجی وجود ندارد. اما علت هر چه باشد کشور میزبان به دلیل تأمین سرمایه مورد نیاز اقتصاد کشور برای پرکردن شکاف منابع پس انداز اقتصاد ملی و نیازهای سرمایه‌گذاری آن، دستیابی به دانش فنی و مهارت‌های مدیریتی شرکتهای خارجی و رفع تنگناهای ارزی از سرمایه‌گذاری خارجی استقبال می‌کند.

۳-۶ گونه‌های سرمایه‌گذاری خارجی

۱- وامها، اعانه‌ها و منابع دیگر اعتبار نظیر تأمین مالی اعتباری (وام با بهره ۳٪ و یا کمتر)، وامهای قراردادی (با بهره حدود ۵ الی ۸ درصد به مدت ۱۰ سال)، اعتبارات بازرگانی و صادراتی (وامهای با بهره ۵ الی ۸ درصد و بازپرداخت کمتر از ۱۰ سال) و انواع دیگر وامها و اعتبارات که معمولاً کشورهای صنعتی پیشرفته - با اهداف متفاوتی نظیر دفاعی و استراتژیک، ایدئولوژیکی و سیاسی، اقتصادی، انسانی و اخلاقی، منافع متقابل و امنیت جهانی اقتصادی - کشورهای عضو اوپک، بازار مشترک اروپا، بانک جهانی و مؤسسات وابسته به آن، صندوق بین‌المللی پول، بانک توسعه اسلامی و بانکهای قدرتمند بین‌المللی منابع تأمین‌کننده آن به شمار می‌آیند. نحوه خرج کردن این وامها گاه از سوی کشور پرداخت‌کننده تعیین می‌شود و گاه این وامها بدون شرط پرداخت می‌گردند.

مستقیم که سرمایه‌گذار ضمن در اختیار نهادن سرمایه، به طور مستقیم در امر سرمایه‌گذاری دخالت می‌کند و بدین ترتیب صاحب حق کنترل و اختیار در آن صنعت می‌شود.

۲- سرمایه‌گذاری خارجی

غیرمستقیم که در آن سرمایه‌گذار خارجی به صورت خرید اوراق بهادار یک مؤسسه بدون آن که مستقیماً در امر سرمایه‌گذاری شرکت نماید، به سرمایه‌گذاری می‌پردازد و سرمایه خود را در اختیار کشور واردکننده سرمایه قرار می‌دهد.

سرمایه‌گذاری خارجی مستقیم شکلهای متفاوت دارد و به صورت شراکت مدنی، بازخرید اوراق بهادار، کنترل سرمایه‌گذاری صددرصد در اختیار شرکت خارجی و... رخ می‌دهد. سرمایه‌گذاری شرکتی چند ملیتی از این دسته سرمایه‌گذاریها به حساب می‌آیند. سرمایه‌گذاری این شرکتها معمولاً به اشکال زیر صورت می‌گیرد:

- سرمایه‌گذاریهای که در شعبه‌ها و شاخه‌های فرعی در خارج انجام می‌گیرند مانند سرمایه‌گذاریهای شرکتی نفتی در خاورمیانه.

- سرمایه‌گذاریهایی که در شرکتی با شخصیت حقوقی خصوصی برای اقدام به فعالیت در خارج انجام گرفته است.

- مشارکتهایی که گروههای مالی در واحدهای اقتصادی خارجی که تصدی آنها را دارند، انجام داده‌اند.

به دنبال بحران مالی ناشی از حجم عظیم بدهیهای انباشته شده از دهه ۷۰، کشورهای در حال توسعه مشتاق به جذب منابع مالی خارجی با منشاء غیر استقراضی از طریق سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و سرمایه‌گذاری خارجی در بورس سهام شدند.

جریان سرمایه‌گذاری خارجی در سبد مالی^(۱) (FPI) می‌تواند باعث کاهش هزینه‌های واقعی سرمایه‌گذاری شرکت بومی، کاهش هزینه مربوط به سرمایه‌گذاران با حرکت به سمت تقسیم بازارهای محلی و بازگشایی بازارهای سهام، افزایش قیمت‌های سهام به دلیل افزایش تقاضای خارجی برای سهام بومی، تشویق توسعه خدمات و ابزارهای جدید مالی و انتقال دانش فنی و آموزش افراد بومی در این زمینه شود.

به طور کلی اصلاحات ساختاری در کشورهای در حال توسعه که عمدتاً در جهت سیستم اقتصادی مبتنی بر بازار بوده است، بهبود در رشد اقتصادی مداوم کشورهای در حال توسعه، رشد و تقویت بازارهای سهام ملی در کشورهای در حال توسعه و سهولت در قوانین سرمایه‌گذاری در کشورهای میزبان و میهمان عوامل اصلی جذب سرمایه‌گذاری در اوراق بهادار بوده است.

کشورهای جنوب شرقی آسیا به طور عمده، و در سالهای اخیر کشورهای آمریکای لاتین جذب‌کنندگان اصلی FPI بوده‌اند.

۶-۴ نظام اجرایی

مراحل اتخاذ نظام سیاستی به منظور جذب سرمایه‌گذاری خارجی را می‌توان به صورت زیر بیان کرد:

۱- تعیین اهداف رشد اقتصادی کشور با توجه به وضعیت رشد اقتصادی، موانع و محدودیتها و موقعیتهای ناشی از شرایط داخلی و خارجی کشور، ارزشهای مشترک و رایج بین مردم و...

۲- تعیین سیاست‌های مناسب برای دستیابی به اهداف فوق از میان گزینه‌های مختلف سیاستی با در نظر گرفتن نتایج قابل انتظار از هر کدام با توجه به شرایط داخلی و بین‌المللی و پیش‌بینی اوضاع آینده

۳- اجرای سیاست انتخابی در چارچوب نظامهای تنظیمی و ترویجی از طریق دستگاهها و روشهای اداری دولتی

۴- ارزیابی نتایج حاصل از اجرای سیاستها

۵- تغییر و اصلاح اهداف، سیاستها، نظامهای ترویجی و تنظیمی و نحوه اداره آنها در صورت لزوم

در چارچوب نظام سیاستی فوق نتایج زیر قابل توجه است:

- با وصول اطلاعات جدید و ارزیابی آنها در مقایسه با نتایج حاصل از سیاستهای جاری و اعتبار فرضیاتی که اساس این سیاستها را تشکیل می‌دهند، نظام سیاستی همواره در معرض تغییر و اصلاح قرار می‌گیرد. تغییر

شرایط ملی و بین‌المللی، تغییر اهداف کشور و موازنه بین اهداف در این امر مؤثر هستند.

- نظامی که در زمان معینی مناسب تشخیص داده شده ممکن است در زمان دیگر نامناسب باشد.

- نظامی که برای کشوری مناسب است، ممکن است برای کشور دیگر نامناسب باشد.

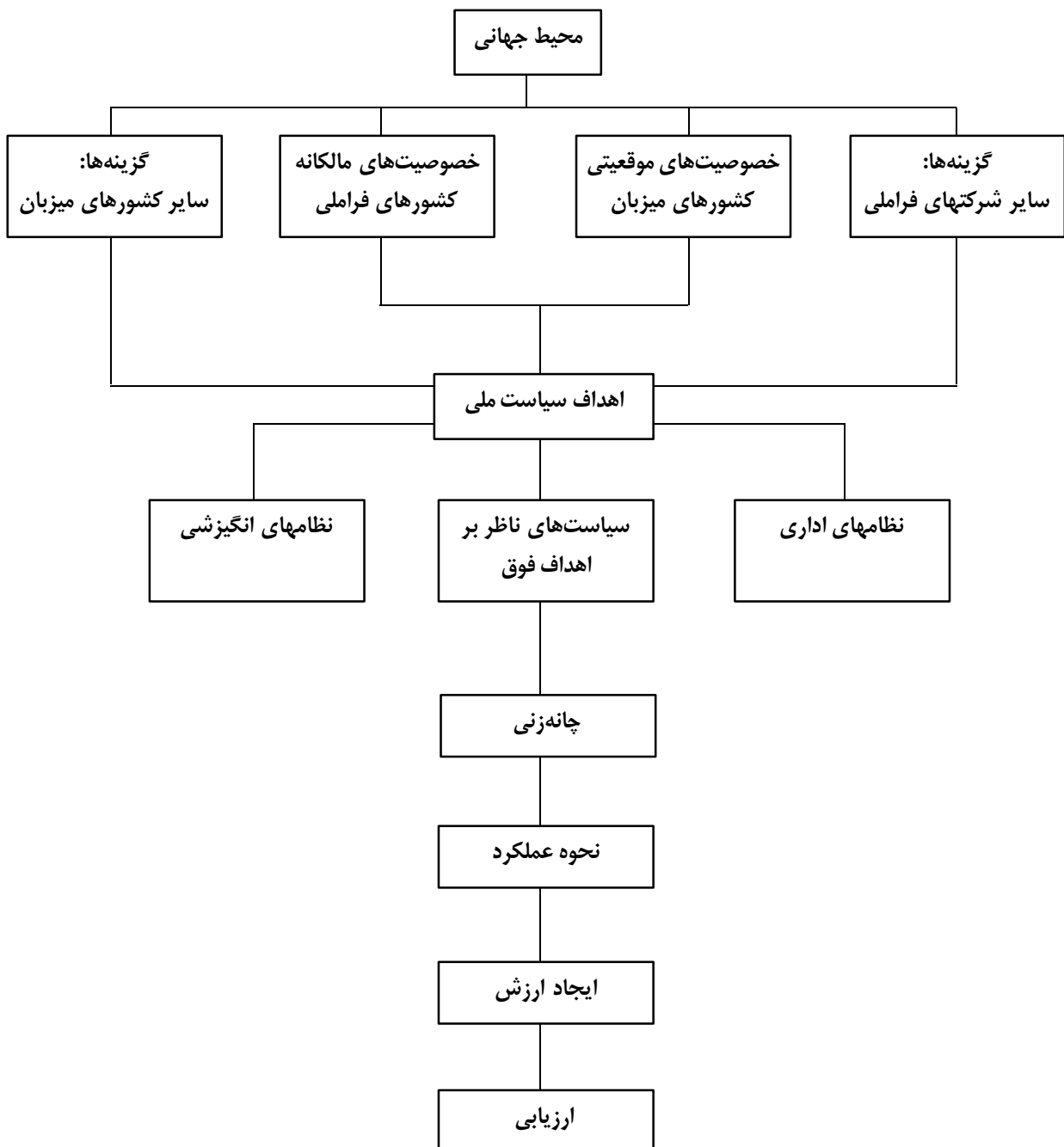
عوامل مؤثر در تعیین اهداف مورد نظر در نظام سیاستی فوق عبارتند از:

- میزان و سطح رشد اقتصادی

- منابع کشور

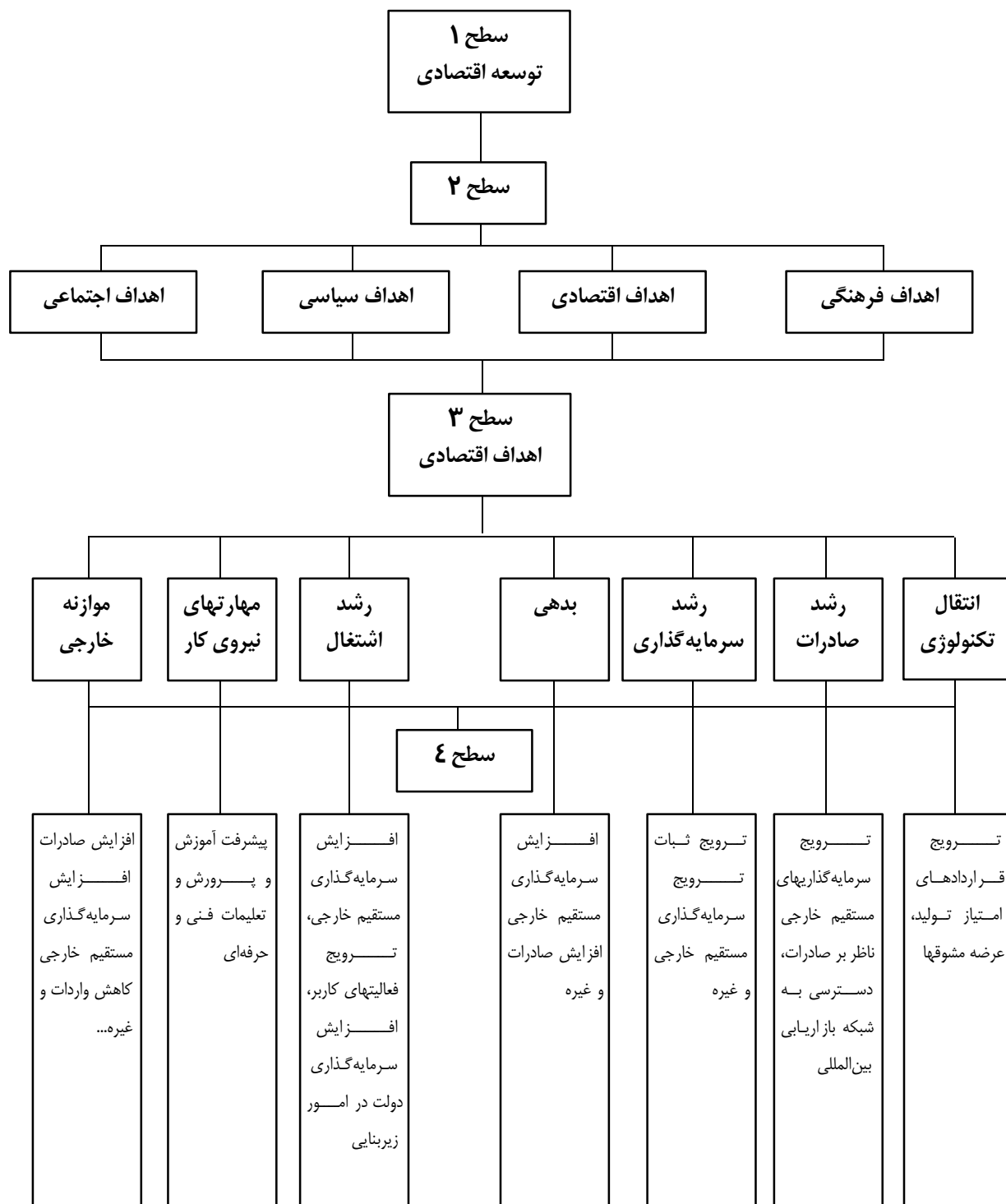
- میزان و ساختار بازرگانی کشور
- نیازهای کشور به سرمایه، پیشرفت تکنولوژیک، ایجاد اشتغال و دسترسی به بازارهای خارجی
- اهداف کشور برای رشد اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی
- ساختار و سطح رشد نهادهای اداری همچنین ارزش، توانایی و مهارت مدیران به منظور اجرای سیاستها
- نظام انگیزشی برای اجرای اهداف نظام سیاستی فوق دو بخش دارد:
 - ۱- بخش تنظیمی؛ مقررات مربوط به تنظیم یا کنترل سرمایه گذاری به منظور به دست آوردن حداکثر سود از هر واحد سرمایه گذاری
 - ۲- بخش ترویجی؛ مقررات مربوط به افزایش جریان کل سرمایه به داخل کشور نظیر معافیت‌های مالیاتی، کاهش تعرفه‌های گمرکی برای ورود کالاهای سرمایه‌ای و واسطه‌ای، حمایت‌های تجاری، سوبسیدهای کارگری، برنامه‌های کارآموزی و نظایر آنها.
- نمودارهای ۱ و ۲ چارچوب سیاست ملی و سلسله مراتب اهداف ملی به منظور جذب سرمایه گذاری خارجی را نشان می‌دهد.

نمودار ۱: چارچوب سیاست ملی



مأخذ: آنتوان باسیل، و دیگران، "تدوین و اجرای سیاست‌های سرمایه‌گذاری خارجی"، ترجمه غلامحسین رهبری (تهران: مؤسسه چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه، ۱۳۷۳)، ص.

نمودار ۲: سلسله مراتب اهداف ملی



مأخذ: آنتوان باسیل، و دیگران، "تدوین و اجرای سیاست‌های سرمایه‌گذاری خارجی"، ترجمه غلامحسین رهبری (تهران: مؤسسه چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه، ۱۳۷۳)، ص.

۵-۶ عوامل مؤثر بر سرمایه‌گذاری خارجی

در یک تقسیم‌بندی کلی، می‌توان علل و انگیزه‌های انتقال سرمایه بین بازارهای مختلف را به صورت زیر خلاصه نمود:

● سود و بازدهی ● اختلاف نرخ بهره ● تغییرات قیمت‌های داخلی ● تغییرات نرخ ارز و سیستم ارزی مشخص ● کسری یا مازاد بودجه ● بار بدهی خارجی ● مالیات ● انتقال تکنولوژی و حق ثبت بین‌المللی	انگیزه‌های اقتصادی، مالی و فنی
---	---------------------------------------

● بیمه سرمایه‌گذار ● حمایت‌های دولت ● سیاست‌های تجاری و حمایت از منابع ● بازارهای پولی و مالی ● سایر قوانین	عوامل حمایتی
---	---------------------

عوامل جغرافیایی و سیاسی

در گزارش سرمایه‌گذاری جهانی سال ۱۹۹۸ سازمان ملل، عوامل تعیین‌کننده و مؤثر بر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در کشور میزبان به صورت زیر بیان شده‌اند:

۱- چارچوب سیاستی سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی شامل؛ ثبات اقتصادی، سیاسی و اجتماعی، قوانین مربوط به ورود سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و عملکردها، استانداردهای رفتاری شرکتهای وابسته به خارج، سیاست‌های مربوط به ساختار و کارکرد بازار (بویژه سیاست‌های رقابتی و ادغام)، قراردادهای بین‌المللی سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، سیاست‌های خصوصی‌سازی، سیاست‌های تجاری و ارتباط بین سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و با سیاست‌های تجاری و مالیاتی.

۲- عوامل تعیین کننده اقتصادی شامل:

بررسی بازار

- اندازه بازار و درآمد سرانه
- رشد بازار
- دسترسی به بازارهای منطقه‌ای و جهانی
- ترجیحات مصرفی خاص مربوط به هر کشور
- ساختار بازارها

بررسی داراییها

- مواد خام
- نیروی کار غیرمتخصص ارزان
- نیروی کار متخصص
- فن آوری
- زیربنای فیزیکی (بنادر، راهها، نیرو، ارتباطات)

مطالعه کارایی

- هزینه منابع و داراییها که بر حسب بهره‌وری نیروی کار تعدیل شده است.
- هزینه‌های سایر نهاده‌ها مانند هزینه‌های حمل و نقل و ارتباطات از/به و در کشور میزبان و سایر محصولات واسطه‌ای
- عضویت در یک توافقنامه منطقه‌ای به منظور ایجاد یک شبکه تجاری در سطح منطقه

۶-۶ پیامدهای سرمایه‌گذاری خارجی در کشور میزبان

در یک نگاه کلی و براساس نظریه‌های کلان اقتصادی، سرمایه‌گذاری خارجی و به دنبال آن انتقال تکنولوژی منجر به تسریع آهنگ رشد اقتصادی، ایجاد کار، افزایش صادرات و واردات، موازنه پرداختها، رشد تکنولوژی، افزایش قدرت رقابت، رشد مؤسسات و شرکتهای داخلی و تأثیر بر تحولات اجتماعی، فرهنگی و سیاسی می‌شود. در مقابل، ورود حجم عظیم جریانهای سرمایه‌ای می‌تواند ریسک مربوط به بازارهای سرمایه داخلی را به دلیل غیرقابل پیش‌بینی بودن جریانهای خروجی سرمایه‌ای افزایش دهد. به علاوه این امر می‌تواند باعث افزایش واقعی نرخهای ارز شود و توان رقابتی کشورهای سرمایه‌پذیر را تهدید کند. این مسأله در کشورهای آمریکای لاتین رخ داد. البته کشورهای این منطقه سعی نمودند با استفاده از سیاستهای ترکیبی مانند آزادسازی کامل حساب جاری، کنترل مالی، عملیات اصلاحی و کنترل جریانهای ورودی سرمایه‌ای از عواقب زیان‌آور این جریانها جلوگیری نمایند.

۶-۷ مروری بر نکات مثبت و منفی در زمینه سرمایه‌گذاری خارجی:

۱-۷-۱ نکات مثبت سرمایه‌گذاری خارجی

الف - منافع مستقیم سرمایه‌گذاریهای خارجی به بخشهای زیر تعلق می‌گیرد:

۱- نیروی کار داخلی، از طریق افزایش دستمزد واقعی

۲- مصرف‌کننده داخلی، از طریق کاهش قیمت‌های داخلی

۳- دولت، به شکل افزایش درآمدهای مالیاتی

ب - منافع غیرمستقیم سرمایه‌گذاریهای خارجی معمولاً به صورت "صرفه‌جوییهای خارجی" است و منظور آن

دسته صرفه‌جویی‌هایی است که بر اثر توسعه فعالیت‌های سرمایه‌گذاری خارجی به وجود می‌آید.

ج - ورود سرمایه‌های خارجی منجر به افزایش بهره‌وری نیروی کار و ایجاد اشتغال بیشتر می‌شود.

د - چنانچه سرمایه‌گذاران در سطح وسیع و با هزینه کمتر انجام گیرد، مصرف‌کنندگان از قیمت نازل اجناس

بهره‌مند می‌شوند. به علاوه اگر سرمایه‌گذاران با هدف بهبود تولید انجام گیرد مصرف‌کنندگان می‌توانند از

تولیدات مرغوبتر و جدیدتر استفاده نمایند.

ه - مالیات و تعرفه بر سرمایه‌های خارجی محل درآمد خوبی برای دولتهای واردکننده سرمایه هستند.

و - صرفه‌جوییهای خارجی از مهمترین منافع است که این گونه سرمایه‌ها در قالب سرمایه‌گذاریهای خارجی

به همراه می‌آورد. سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی نه تنها سرمایه و ارز خارجی به همراه می‌آورد، بلکه

می‌تواند قدرت مدیریت، پرسنل آموزش دیده صنعتی، دانش تکنیکی، سازمان‌دهی اداری و خلاقیت در

تولیدات را به همراه داشته باشد.

موارد مثبت دیگر در این زمینه عبارتند از: ایجاد دانش فنی جدید، مدیریت و نوآوری در تولید، اقدام به

سرمایه‌گذاری مشترک بین واحدهای تولیدی بخش خصوصی و بخش‌های صنعتی و در نتیجه توانایی بخش

خصوصی در تأمین نیروی متخصص، نیازهای مالی و تقاضا برای خدمات جانشینی یا مکمل مانند آموزش نیروی

انسانی و حمل‌ونقل، رفع کمبود ارز و استفاده از سود حاصل از سرمایه‌گذاران خارجی در گسترش و توسعه و

مدرنیزه کردن منابع، افزایش بازدهی سرمایه و نیروی کار، اقدام به سرمایه‌گذاری کشور میزبان در کشورهای دیگر.

۱-۷-۲ نکات منفی سرمایه‌گذاریهای خارجی

الف - امتیازات مخصوصی که بعداً به ضرر کشور واردکننده سرمایه تمام می‌شود به کشور وام‌دهنده داده می‌شود.

ب - تأثیر نامطلوب و معکوس بر تراز پرداختها به طوری که جذب سرمایه‌های خارجی مستلزم پرداخت

هزینه‌هایی برای کشور میزبان است که این هزینه‌ها مثل پرداخت اصل و فرع بدهیها و... مسئله کمبود ارز

و ایجاد کسری در تراز پرداختها را به دنبال دارد.

ج - ایجاد هزینه‌هایی برای دولت میزبان جهت جلب سرمایه‌گذاریهای خارجی

- د - نامناسب کردن توزیع درآمدها و رقابت با پروژه‌های سرمایه‌گذاری داخلی
- ه - تغییر رابطه مبادله به ضرر کشور واردکننده سرمایه و به نفع کشور صادرکننده سرمایه
- و - آغاز سیاستهایی از طرف دولت کشورهای استفاده‌کننده از سرمایه خارجی جهت جلب سرمایه‌گذاران که ممکن است به ضرر اقتصاد کشور تمام شود.

● فارسی

- ۱ - رحیمی بروجردی، علیرضا، "بررسی نظری و تجربی پیرامون تأثیر متغیرهای درونزا و برونزا بر فرار سرمایه و سرمایه‌گذاری خارجی در ایران"، موسسه تحقیقات پولی و بانکی، ۱۳۷۵.
- ۲ - __، "سرمایه‌های فیزیکی خارجی و روشهای جذب آن"، معاونت امور اقتصادی و دارایی، ۱۳۷۴.
- ۳ - لکراو، دونالد و دیگران، "تدوین و اجرای سیاست‌های سرمایه‌گذاری خارجی"، ترجمه غلامحسین رهبری، ۱۳۷۳.

● انگلیسی

1. __, "*ForeignInvestmentPromotionSection*,"www.info-nepal. com
2. __, "*NewInvestment- PromotingRegulation*,"www.kisc. org
3. __, "*Registrationof Foreign InvestedCompanies*,"www.kisc. org
4. __, "*TheConceptof Foreign Direct Investment*,"www.kisc. org
5. __, "*Trendof Foreign InvestmentPolicy*,"www.kisc. org
6. __, "*WorldInvestmentReport1998 : Trend& Determinants*,"United Nations